

مبانی نظری و تاریخی تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع در آیین دادرسی کیفری

بین‌المللی

فرسیما خامسی پور<sup>۱</sup> - محمود اشرفی<sup>۲</sup> - مسعود حیدری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۵

چکیده:

امروزه حق برخورداری از دادرسی عادلانه، در زمره بنیادی‌ترین مصادیق حقوق بشر در سطح بین‌المللی قرار می‌گیرد. لذا در راستای اجرای عدالت و نهادینه‌سازی موازین حقوق بشر، یکی از ملزومات بسیار ضروری به منظور تحقق دادرسی عادلانه و رعایت حقوق انسان‌ها، «حق برخورداری از وکیل مدافع» در فرایند دادرسی کیفری می‌باشد که بدون آن یکی از حقوق اساسی بشری یعنی حق برخورداری از دادرسی عادلانه به منصف ظهور نخواهد رسید. هدف پژوهش حاضر، از یک سو بررسی مبانی تاریخی و پیشینه تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع و از سوی دیگر بررسی مبانی نظری و علل توجیه کننده این حق در فرایند دادرسی کیفری با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که حق برخورداری از وکیل مدافع با شکل‌گیری نظام دادرسی اتهامی پایه‌ریزی شد. همچنین دو نظام دادرسی کیفری اتهامی و تفتیشی، تأثیر به‌سزایی بر شکل‌گیری و توسعه حق برخورداری از وکیل مدافع در سراسر جهان داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** دادرسی عادلانه، حقوق بشر، نظام دادرسی کیفری، برابری سلاح‌ها، حقوق

بین‌المللی

---

<sup>۱</sup> - مدرس دانشگاه، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

Farsima.Khamesipour@khuif.ac.ir

<sup>۲</sup> - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران:

(نویسنده مسئول)

M.Ashrafy@khuif.ac.ir

<sup>۳</sup> - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد خوراسگان (اصفهان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان،

ایران

M.Heydari@khuif.ac.ir

### مقدمه:

تضمین حقوق بشر به طور کلی و مشروعیت حقوق و منافع متهم در آیین دادرسی کیفری به طور اخص، معمولاً به عنوان یک وظیفه کلیدی قانون و دولت مطرح بوده است. لذا مفاهیم و معیارهای حقوق بشر یکی از عوامل توسعه حقوق کیفری در عصر حاضر است. این مفاهیم و معیارها که در اکثر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر شناسایی شده و مورد حمایت قرار گرفته‌اند، به ویژه بر قوانین و مقررات ملی مربوط به آیین دادرسی کیفری تأثیر آشکار داشته‌اند. حق برخورداری از دادرسی عادلانه نیز که خود در زمره اساسی‌ترین حقوق بشری به حساب می‌آید، تنها در صورت مهیا بودن تمامی ملزومات و عناصر آن، تحقق می‌یابد. یکی از بارزترین جوانب لازم به منظور تحقق دادرسی عادلانه، «حق برخورداری از وکیل مدافع»<sup>۱</sup> در فرایند دادرسی می‌باشد که بدون رعایت این حق، صیانت از حق اصلی یعنی حق بر دادرسی عادلانه نیز چندان مقدور نمی‌باشد.

به عبارت دیگر، تضمین این «حقوق شکلی»<sup>۲</sup>، یک بخش مهم از تضمین کلی حقوق افراد می‌باشد. از جمله مهمترین مباحث مطروحه در حقوق اساسی، حقوق عمومی افراد می‌باشد که تحت عنوان «حقوق ملت» ثبت شده است. (هاشمی، ۱۳۹۴: ۴۹۱) دولت ملزم به صیانت از کلیه حقوق عمومی و خصوصی آحاد ملت است مثل این حق، که منشعب از حقوق ناشی از اجرای عدالت می‌باشد تمامی افراد چه متهم و چه شاکی (خواهان یا خواننده) دوست دارند که عدالت در موردشان اجرا شود. (کاتوزیان ۱۳۹۰: ۳۲۰) به طور کلی، زمانی یک جامعه به صورت متمدن و پیش رونده در نظر گرفته می‌شود که هر شهروند توسط یک سیستم حقوقی عادل و دموکراتیک تحت مصونیت و حفاظت قانونی قرار بگیرد. بدین منظور قانون‌گذاران کشورهای مختلف در وضع و تدوین قوانین، به ویژه قانون آئین دادرسی کیفری که نسبت به سایر مفاهیم و معیارهای حقوق بشر نقش مرکزی دارد، اهمیت وافری قائل شدند و از اواخر قرن بیستم به بعد، تأکید بر حمایت از حقوق متهم، جنبه بین‌المللی و جهانی به خود گرفت و کشورهای دموکراتیک را بر آن داشت که تمهیدات و تضمینات گوناگونی در ارتباط با حقوق و آزادی‌های

<sup>1</sup> - The Right to Defense Counsel

<sup>2</sup> - Procedural Rights

متهم اتخاذ نمایند. لذا در خصوص افراد متهم به ارتکاب جرم، علی‌رغم مسئولیت آنها در قبال عواقب و آثار قانونی نقض و تخلف قانون، منافع و حقوق مشروع آهاد بایستی تضمین شود. یکی از حقوق متهمان که دولت باید تضمین‌کننده آنها باشد، حق برخورداری از وکیل مدافع است. نظام‌های مختلف حکومتی جهت صیانت از این حق آن را در زمره حقوق اساسی ملت‌ها آورده و اکثراً این حق را در قانون اساسی کشورهای خود قید می‌نمایند.

از آنجا که حفظ حقوق متهم در فرآیند دادرسی کیفری ضامن حراست از حقوق فردی و اجتماعی انسان است و باعث بالا رفتن سطح امنیت قضایی در جامعه می‌شود؛ لذا لازم است که جایگاه و زوایای مختلف آن مورد بررسی قرار گیرد تا افراد نتوانند به بهانه‌های مختلف این حقوق اساسی را زیر پا بگذارد و کرامت انسانی را تحت‌الشعاع خود قرار دهند. از طرف دیگر حق برخورداری از وکیل مدافع از مهمترین شروط فرآیند دادرسی عادلانه در محاکم داخلی و بین‌المللی می‌باشد و حضور وکیل در قلمرو عدالت کیفری، آن چنان پراهمیت است که سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی و ملی، حق برخورداری از وکیل را در شمار حقوق بنیادین متهم، بزهکار و بزه دیده گنجانده‌اند. (هاشمی، ۱۳۹۳: ۳۰۷) بنابراین به منظور رعایت اصل تساوی در ابزار و امکانات فی‌مابین ضابطین دادگستری، بازپرس‌ها و قضات از یک طرف و متهم از طرف دیگر که از الزامات دادرسی عادلانه به شمار می‌آید، حق برخورداری از وکیل مدافع در نظر گرفته شده است. (بوشهری، ۱۳۹۰: ۷۶) به عبارت دیگر یکی از مبانی وضع حق برخورداری از وکیل، لزوم رعایت اصل تساوی در ابزار و امکانات و یا برابری سلاح‌ها می‌باشد. بدیهی است، این حق موجبات عادلانه و منصفانه شدن دادرسی کیفری را فراهم می‌آورد. زیرا وکلا با استفاده از تخصص و تجربه‌های حقوقی خود و سوگندی که یاد نموده‌اند، به دفاع از حقوق موکلان (خواه بزه دیده و خواه متهم یا بزهکار) مبادرت می‌ورزند تا نظام عدالت کیفری، با توجه به دفاعیات و اظهار نظرهای وکلا و برابرسازی سلاح‌های کیفری تصمیم‌گیری نمایند. (نیازپور، ۱۳۸۷: ۹۶)

بدین ترتیب حق برخورداری از وکیل مدافع یکی از اصول دادرسی عادلانه است و رعایت آن عدالت را تأمین می‌نماید. لذا در اکثر کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر و در نظام حقوقی اکثر کشورها، حق مذکور به عنوان یکی از حقوق اساسی برای برقراری یک محاکمه

عادلانه و تضمینی برای حفظ حقوق متهم به رسمیت شناخته شده است. (مهدوی‌پور و نقیبی، ۱۳۹۵: ۱۵۹) با این حال، پیشینه نحوه به رسمیت شناخته شدن و مبانی تضمین حق بر - خورداری از وکیل مدافع هنوز به طور جامع بررسی و بازبینی نشده است. لذا پژوهش حاضر به جمع‌آوری و نظام‌مندی علمی و عملی مبانی و اصول وضع قوانین مرتبط با تضمین حق بر - خورداری از وکیل مدافع می‌پردازد. می‌توان گفت که حق برخورداری از وکیل مدافع، ارتباط تنگاتنگی با مفهوم «رسیدگی منصفانه»<sup>۱</sup> داشته و مبتنی بر آن است. این مفهوم، موضوعی تاریخی و مبنایی برای شکل‌گیری و توسعه «حق برخورداری از دادرسی عادلانه»<sup>۲</sup> است؛ این اصل، یک اصل بنیادین است که حقوق متهم را تضمین می‌نماید. مطالعات مربوط به رابطه بین مفهوم «رسیدگی منصفانه» و «حق برخورداری از دادرسی عادلانه» به ما کمک می‌کنند تا درک درستی از نحوه شکل‌گیری و پیشبرد تضمین حقوق متهم داشته باشیم، که یکی از آنها حق برخورداری از وکیل مدافع است. در ضمن، مبانی و اطلاعات تاریخی در خصوص حق برخورداری از وکیل مدافع در کشورهایی که معمولاً از یکی از دو الگوی نظام دادرسی کیفری (اتهامی<sup>۳</sup> و تفتیشی<sup>۴</sup>) پیروی می‌کنند ارائه شده است تا نحوه شکل‌گیری و روند توسعه تاریخی حق برخورداری از وکیل مدافع تبیین گردد. لذا در این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا مبانی تاریخی و سپس مبانی نظری و ریشه‌هایی که ضرورت حق برخورداری از وکیل مدافع در فرایند دادرسی کیفری را آشکار می‌سازند، مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۱- مبانی تاریخی تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع

در مراحل از تاریخ حقوق، تعریفی رسمی از حق برخورداری از وکیل مدافع وجود نداشت. با این حال، حق متهم به ارتکاب جرم در داشتن وکیل مدافع، مفهوم جدیدی به حساب نمی‌آید. این حق از قدیم وجود داشته و ارتباط نزدیکی با قضاوت در محاکمه دارد. تحقیقات نشان داده‌اند از چندین قرن گذشته، محاکمه‌هایی وجود داشته‌اند که در آنها خوانده<sup>۵</sup> اجازه برخورداری

<sup>1</sup> - Due Process

<sup>2</sup> - Right to Fair Trial

<sup>3</sup> - Adversarial

<sup>4</sup> - Inquisitorial

<sup>5</sup> - Defendant

از مساعدت وکیل مدافع را داشته است. (راکو<sup>۱</sup>، ۱۹۵۴) در ادامه روند پیدایش و توسعه تاریخی حق برخورداری از وکیل مدافع در نخستین منابع مکتوب در این زمینه و سپس در نظام‌های دادرسی کیفری اتهامی و تفتیشی تبیین گردیده است.

### ۱-۱- پیشینه تاریخی در منابع مکتوب

بسیاری از محققین به «قوانین پادشاه هنری اول»<sup>۲</sup> به عنوان اولین مرجع مکتوب از ظهور این حق در انگلستان اشاره می‌نمایند. قوانین پادشاه هنری اول<sup>۳</sup> مجموعه‌ای از قواعد حقوقی و مشترک انگلستان قدیم است که در اوایل قرن دوازدهم پایه‌گذاری شده‌اند. (دوناهو<sup>۴</sup>، ۱۹۶۴: ۱۰۲۰-۱۰۲۱؛ بکر<sup>۵</sup> و هیدل‌باو<sup>۶</sup>، ۱۹۵۳: ۳۵۱-۳۶۳). ترجمه‌های این کتاب، که در اصل به زبان زبان لاتین<sup>۷</sup> نگارش شده است، در بعضی از موارد ابهام دارند. با این حال، تمام مطالعات محققین در خصوص حق برخورداری از وکیل مدافع بر یکی از بخش‌های این کتاب تمرکز نموده‌اند؛ که دوناهو به نحو ذیل ترجمه نموده است:

«در موارد مالی یا جنایی، هیچ احدی اجازه بهره‌مندی از مساعدت مشاور<sup>۸</sup> را ندارد؛ در عوض، وی قادر است (اتهام) را بدون پذیرش (و) درخواست مشورت رد کند. ملیت یا وضعیت زندگی وی تفاوتی ایجاد نمی‌کند؛ (سپس) به خواننده یا ارباب وی اجازه دهید که با روش مناسبی، دفاعیه مثبت<sup>۹</sup> یا تکذیبیه وی را پیگیری نماید». (دوناهو، ۱۹۶۴: ۱۰۲۷-۱۰۲۸)

طبق تحلیل دوناهو، این بخش نشان می‌دهد که در زمان قرون وسطی<sup>۱۰</sup>، خود متهم می‌بایست در فرایند دادرسی کیفری از خود دفاع نماید. در خصوص دفاع، وی نمی‌توانست از مساعدت مشاور بهره‌برد. احتمالاً، مشاور مزبور یکی از دوستان یا خویشاوندان وی بود که

1 - Rackow

2- Leges Henrici Primi.

3- King Henry

4- Donahue

5- Becker.

6- Heidelbaugh

7- Latin

8- Consilium

9- Affirmative Defence

10- Middle Ages (Medieval Period)

دانشی از حقایق پرونده داشت، و می‌توانست نظر دادگاه را به نفع متهم تغییر دهد. به عبارت دیگر، متهم حق برخورداری از هرگونه مساعدتی را قبل از دفاعیه و در حین آن، نداشت. پس از انجام دفاعیه، متهم حق برخورداری از مساعدت قانونی<sup>۱</sup> را پیدا می‌نمود؛ این مساعدت توسط فردی آموزش دیده در قانون ارائه می‌شد (مدافع)<sup>۲</sup> و معادل وکلای امروزی بود. از تحلیل‌های دونا هو می‌توان به وضوح به این نتیجه رسید که در قرون وسطی و در برخی از مراحل دادرسی کیفری، متهم اجازه برخورداری از مساعدت قانونی را داشته است. (همان: ۱۹۰۱۹) این نگرش در بسیاری از محققین، مشترک است. (بلک‌استون<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۷۹: ۳۵۵؛ بکر و هیدل‌باو، ۱۹۵۳: ۳۵۵-۳۵۶؛ کوهن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵: ۱-۱۹) از تحقیقات به عمل آمده درباره قوانین<sup>۵</sup> به وضوح مشخص است که در آن زمان، متهم در ابتدا باید در خصوص حقایق پرونده، مستقلاً از خود دفاع می‌نموده است. حق برخورداری از وکیل مدافع، در صورت وجود، تنها بر مصالحه ابعاد قانونی پرونده تمرکز داشته است. با این حال، در متون مربوط به برخی پرونده‌های قرن چهاردهم، حق برخورداری از وکیل مدافع اصلاً به متهم اعطا نشده بود. (چودهارای-بست<sup>۶</sup>، ۱۹۷۶: ۲۷۵-۲۸۰)<sup>۷</sup> در ادامه به تبیین و بررسی پیشینه و روند توسعه تاریخی حق برخورداری برخورداری از وکیل مدافع در دو نظام دادرسی کیفری اتهامی و تفتیشی پرداخته شده است

## ۱-۲- پیشینه تاریخی در نظام‌های دادرسی کیفری

از آنجا که رویکرد اسناد جهانی و منطقه‌ای به ضرورت حق برخورداری از وکیل مدافع در فرایند دادرسی کیفری، نشأت گرفته از نظام‌های حقوقی است و دو نظام دادرسی کیفری

<sup>۱</sup>- Legal Assistance

<sup>۲</sup>- Pleader

<sup>۳</sup>- Blackstone

<sup>۴</sup>- Cohen

<sup>۵</sup>- Leges

<sup>۶</sup>- Chowdharay-Best

<sup>۷</sup>- در این کتاب پرونده‌ای از یک شوالیه تشریح شده است که متهم به تجاوز به عفت و تحت محاکمه واقع شده است. قاضی پرونده به متهم خبر داد که «باید بدانی که پای پادشاه نیز در این محاکمه در میان است، و به همین دلیل تو نمی‌توانی در مقابل پادشاه وکیل داشته باشی، چراکه وی تو را به شکل رسمی محاکمه می‌کند.» بعدها قاضی تأکید نمود که: «اگر در برابر قانون برای تو وکیل قبول کنیم، و هیئت منصفه به نفع تو رأی دهد، و این کار به لطف خدا انجام شود، خواهند گفت که تو به دلیل طرفداری قاضی آزاد شده‌ای؛ و ما اجازه این کار نداریم، و تو نمی‌توانی چنین درخواستی داشته باشی.»

اتهامی و تفتیشی، تأثیر به‌سزایی بر شکل‌گیری و توسعه حق برخورداری از وکیل مدافع در سراسر جهان داشته‌اند، در این‌جا پیشینه تاریخی و مبنای حق برخورداری از وکیل مدافع در زمان شکل‌گیری نظام دادرسی اتهامی و متعاقباً در نظام دادرسی تفتیشی مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۲-۱-۱- نظام دادرسی اتهامی

برخی از محققین (لانگبین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵؛ دامر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۶؛ باناشاک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲) بر این باورند که حق برخورداری از وکیل مدافع در زمان شکل‌گیری نظام دادرسی اتهامی<sup>۴</sup> ظهور نمود (دامر و همکاران، ۲۰۰۶)<sup>۵</sup>، یعنی در قرون شانزدهم و هفدهم توسعه یافت. در آن زمان، دسته‌ای از محاکمه‌های مربوط به خیانت در انگلستان منجر به تقاضاهایی برای اعمال تغییرات در شیوه دفاع متهم از خود در برابر پادشاه شد. همان‌طور که ذکر شد، این حقیقت نشان می‌دهد که تضمین اولیه حق برخورداری از دفاع، مربوط به اجازه متهم برای دفاع از خود است. با این حال، شیوه قضاوت در آن زمان نشان می‌دهد که دفاع خوانده از خود در دادگاه بسیار دشوار بوده است، و به خصوص در پرونده‌های کیفری مهم منجر به اثراتی منفی می‌شده است. نگرش مربوط به برخورداری از مساعدت وکیل مدافع در زمان محاکمه خوانده، در این برهه ظهور کرد. در بازده قرن پانزدهم تا هفدهم، و با رواج شواهد در محاکمات کیفری، حق برخورداری از وکیل مدافع برای جرایم و تخلفات سبک‌تر نیز میسر شد. این موضوع، به وضوح توسط بالسترود وایت‌لاک<sup>۶</sup> نشان داده شده است: «فرد می‌تواند برای ورود بدون اذن به اراضی

<sup>1</sup>- Langbein

<sup>2</sup>- Dammer

<sup>3</sup>- Banaszak

<sup>4</sup>- Adversarial System

<sup>۵</sup>- نظام دادرسی اتهامی مجموعه‌ای از رویه‌های قانونی استفاده شده در کشورهای کامن‌لا می‌باشد که برای تعیین حقیقت در حین محاکمه استفاده می‌گردد؛ در این نظام، دادستان و وکیل مدافع در مقابل یکدیگر رقابت می‌کنند، در حالی که قاضی تحقق عدالت و تبعیت از قانون را تضمین می‌نماید. انگلستان و آمریکا به عنوان کشورهای رایج استفاده‌کننده از این مدل در نظر گرفته می‌شوند. در مقابل نظام دادرسی اتهامی، نظام دادرسی تفتیشی قرار دارد که در اواخر قرن نوزدهم در اسپانیا و کشورهای کاتولیک دیگر توسعه یافت. ماهیت پیدا کردن حقیقت بر اساس شکنجه یا قالب‌های بازجویی با خشونت کمتر است و قضات نقش مهمی در تعیین شواهد ایفا می‌نمایند. فرانسه و آلمان نمونه‌هایی از این نظام هستند.

<sup>6</sup>- Bulstrode Whitelocke.

شخصی و یا جرایمی با ارزش مالی ۶ پنس،<sup>۱</sup> وکیل اتخاذ نماید تا به جای وی به امر دفاع بپردازد.» (چودهای-بست، ۱۹۷۶: ۲۷۵-۲۸۰). در حقیقت، به نظر می‌رسد حق برخورداری از وکیل مدافع در این برهه زمانی در واکنش به رد مساعدت وکیل در پرونده‌های کیفری مهم و ملزم نمودن خواننده‌ها به حضور در دادگاه و دفاع مستقل آنها در انگلستان رخ داده است. (لانگبین، ۲۰۰۳)

از سال ۱۸۳۶ میلادی، تضمین کامل حق برخورداری از وکیل مدافع نه تنها در محاکمات کیفری، بلکه در محاکمات مرتبط با تخلفات نیز به متهم اعطا شد (دوناهو، ۱۹۶۴: ۱۰۲۷-۱۰۲۸؛ چودهای-بست، ۱۹۷۶: ۲۷۹؛ فالتون<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹: ۱۶۰۰). حق استفاده از وکیل مدافع در حقیقت، روشی برای بهبود و افزایش حق دفاع از خود بوده است، زیرا دفاع از خود امنیت چندانی نداشت و حتی در محضر پادشاه ممنوع بوده است. به اعتقاد محققین، فراهم سازی امکان برخورداری از وکیل مدافع اولین گام به سوی نظام‌های دادرسی است که در نهایت منجر به نظام‌های وکیل-محور<sup>۳</sup> شده‌اند (در مقابل نظام‌های ابتدایی که بدون وکیل<sup>۴</sup> طراحی شده‌اند). این پدیده منجر به شکل‌گیری یک نظام در کشورهای دارای نظام کامن‌لا<sup>۵</sup> شد که حق برخورداری از وکیل مدافع را برای خواننده‌ها تضمین می‌نماید؛ این اصل بعدها به یکی از معیارهای نظام دادرسی اتهامی تبدیل گردید. (لانگبین، ۲۰۰۳)<sup>۶</sup>

نمود اولیه حق برخورداری از وکیل، تنها با حضور وکیل مدافع در پرونده‌های کیفری مهم ارتباط نداشت، بلکه اعطای وکیل به عنوان لطفی از جانب پادشاه به افراد ناتوان نیز به عنوان نشانه‌ای از سیاست‌های خیریه نیز ظهور پیدا کرده بود. (بیکر<sup>۷</sup>، ۱۹۷۹؛ سویگرت<sup>۸</sup>، ۱۹۸۲)

<sup>۱</sup>- Sixpence (British coin)

یک سکه کوچک بریتانیا با ارزش ۶ پنس؛ از سال ۱۹۷۰ ضرب نشده است.

<sup>۲</sup>- Fulton

<sup>۳</sup>- lawyer-dominated

<sup>۴</sup>- lawyer-free

<sup>۵</sup>- Common law

<sup>۶</sup>- در این نوع از محاکمه، طرفین درگیر (شاکای و متهم) حضور دارند، و قاضی به عنوان داور فعالیت می‌نماید و تمام فعالیت‌های ترافعی ترافعی طرفین را هدایت می‌نماید و قضاوت را به شکل عادلانه‌ای انجام می‌دهد.

<sup>۷</sup>- Baker

<sup>۸</sup>- Swygert



سویگرت نشان داده است که انگلستان به مدت پنج قرن به فراهم نمودن وکلای رایگان برای افراد بی بضاعت در هر دو حوزه مدنی و کیفری پرداخته است. این سنت از سال ۱۴۹۴ ریشه گرفته است؛ در آن زمان مجلس انگلستان، قانونی را به تصویب رساند که طی آن دادگاه‌های انگلستان به رایگان، برای افراد مستمند، وکیل مدافع فراهم می‌نمودند. با این حال، در عمل، کاربرد آن بسیار محدود بود. (سویگرت، ۱۹۸۲) این اتفاق به عنوان اولین نشانه قانونی از تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع برای افراد مستمند در نظر گرفته می‌شود. اگر چه این تضمین حتی در مواقعی که در اکثر کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده بود، لکن در نظام‌های حقوقی مستقل رسماً تأیید نشده بود. (دامر و همکاران، ۲۰۰۶: ۸۰-۹۰) با این وجود، یک چشم‌انداز متری با تاثیری شگرف بر آگاهی قانون‌گذاران در عصر نوین داشته است. لذا در نظام‌های دادرسی اتهامی، حق برخورداری از وکیل مدافع به عنوان نقشی مهم در تحقق عدالت، به رسمیت شناخته می‌شود. (لانگبین، ۲۰۰۳) قضات انگلستان و سایر کشورهایی که از نظام دادرسی اتهامی استفاده می‌نمایند، بر این اعتقادند که مفهوم بهره‌مندی از مساعدت وکیل متضمن دو مسئله مجزا است. مسئله اول این است که آیا متهم باید در برابر اتهاماتی که به وی وارد شده است، برای دفاع از خود از حق مساعدت وکیل یا دوستان خود برخوردار باشد (منوط به اینکه هزینه این کار بر عهده خودش باشد)؛ و مسئله دوم این است که آیا دولت وظیفه‌ای برای فراهم نمودن وکیل برای افراد فاقد تمکن مالی دارد یا خیر (راکو، ۱۹۵۴). این نشانه‌های اولیه مذکور در پیشینه تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع، علائمی هستند که به پیشبرد و به رسمیت شناختن این حق در اکثر نظام‌های دادرسی کیفری کنونی منجر شده‌اند.

## ۲-۲-۱- نظام دادرسی تفتیشی

توسعه حق برخورداری از وکیل مدافع در انگلستان با سرعت هرچه تمام‌تر به سایر کشور-های اروپایی، حتی آن دسته از کشورهایی که از سیستم تفتیشی بهره می‌بردند، گسترش یافت. فرانسه قرن هفدهم، نقطه آغاز مناسبی را از منظر رویه کیفری متأثر از نظام اتهامی<sup>۱</sup> انگلیس،

<sup>۱</sup> Accusatory System

فراهم می‌کند (اسمین<sup>۱</sup>، ۱۹۱۳: ۱۹۶؛ موریسی<sup>۲</sup>، ۱۹۶۶: ۷۲۳-۷۲۴). فرانسه همانند سایر بخش‌های اروپا، از سیستم تفتیشی در قانون دادرسی کیفری خود بهره برده است؛ این قانون مجموعه‌ای از روش‌های قانونی است که حداقل بخشی از آن از قانون رم باستان<sup>۳</sup> به دست آمده است که در قرن سیزدهم مورد بازبایی قرار گرفته است (دامر و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۴۲-۱۴۳). با این حال، بر خلاف نظام کامن‌لا، در ابتدا حق برخورداری از وکیل مدافع پذیرفته نشده بود، و این مسئله حتی به شکل واضح در قوانین ذکر شده بود. برای مثال، در ماده ۱۶۲ از مقررات ۱۵۳۹ تصریح شده بود که: «طرفین در مسائل کیفری به هیچ وجه حق مساعدت از وکیل یا اداره‌های شخص ثالث را ندارد؛ بلکه آنها باید به لسان خود در مقابل جرایمی که به آن متهم شده‌اند پاسخ دهند.» علی‌رغم چنین زبان فصیحی، انسانیت یا منطق موجود در قانون‌گذاری فرانسه تا حدی این عدم انعطاف را رفع نموده بود، و در نتیجه آن، اختیاری خاص به دادگاه‌ها ورود پیدا کرد. بعضی از قضات کماکان این ماده را به شکل سرسختانه تفسیر نمودند و اجازه برخورداری از وکیل در تمام پرونده‌ها را نمی‌دادند، درحالی‌که برخی دیگر اجازه برخورداری از وکیل مدافع را می‌دادند و یا حتی در محاکمات مختلف آنها را برای دفاع انتصاب می‌نمودند. (موریسی، ۱۹۶۶: ۷۲۳-۷۲۴)

در مقررات متعاقب سال ۱۶۷۰ میلادی، حق برخورداری از وکیل مدافع، رسماً لحاظ شد. دادرسی کیفری فرانسه، از پیش دارای این شرایط بود: کاملاً سری شده بود، نه تنها از این نظر که همه اتفاقات خارج از منظر عموم رخ می‌داد، بلکه از این نظر که شواهدی در اختیار فرد متهم قرار داده نمی‌شد. مساعدت وکیل مدافع و آزادی برای احضار کردن شهود برای دفاع، یکی پس از دیگری از متهم گرفته شده بود. کنفرانس مربوط به مقررات ۱۶۷۰، قصد مرتفع نمودن این ناامنی‌ها را داشت. نظر گیلیوم دولاموئینون<sup>۴</sup>، اولین رئیس مجلس پاریس، اثری کلیدی بر به رسمیت شناختن حق برخورداری از وکیل مدافع داشت. وی معتقد بود: «هیچ اتفاقی به اندازه مرگ یک فرد بی‌گناه در اجرای عدالت ناخوشایند نیست. آزاد کردن

<sup>۱</sup> Esmein

<sup>۲</sup> Morrissey

<sup>۳</sup> Roman law

<sup>۴</sup> Guillaume de Lamoignon

هزار فرد گناهکار بهتر است. این وکالت... حقی نیست که توسط قانون یا مقررات اعطا شده باشد، بلکه آزادی است که از قانون طبیعت نشأت گرفته است، و قانون طبیعت<sup>۱</sup> از تمام قوانین انسانی قدمت بیشتری دارد.» سخنان دولاموئینون در مورد حق برخورداری از وکیل مدافع طی قرون متمادی منعکس شده است، اما در زمان لویی چهاردهم<sup>۲</sup>، توجه زیادی به آن معطوف نشد. لذا مقررات ۱۶۷۰، همچنان در قالب نهایی خود، استفاده از وکیل مدافع را در موارد مالی منع کرده بود. در سال ۱۸۰۸، آیین دادرسی کیفری ناپلئون<sup>۳</sup> برای نخستین بار، برخورداری از وکیل برای خوانده را در دادگاه جنایی، اجباری نمود. قانون فرانسه همچنین ملزم کرده بود که وکیل مدافع باید به نمایندگی از متهم و در فرآیند تحقیقات مقدماتی<sup>۴</sup> حضور داشته باشد. (موریسی، ۱۹۶۶: ۷۲۳-۷۲۴) بلافاصله پس از آن، در فرانسه، متهمین حق برخورداری از وکیل مدافع<sup>۵</sup> را به دست آوردند، در صورتی که این افراد توانایی به کارگیری وکیل را نداشتند، وکیلی برای ایشان منصوب می‌گردید. (برادلی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷: ۲۳۳-۲۳۷)

بنابراین، در مقایسه با انگلستان، کشورهایی با سنت تفتیشی، بعدها اجازه حضور وکیل مدافع در پرونده‌های کیفری را اعطا نمودند. با این حال، هر دو نظام دادرسی اتهامی و تفتیشی این نگرش را اتخاذ نموده‌اند؛ به این صورت که حق برخورداری از وکیل یکی از حقوق اساسی برای متهم است. دولت نیز وظیفه دارد متهم را در پیاده‌سازی حقوق مشروع وی یاری نماید.

در مجموع، حق برخورداری از وکیل مدافع با شکل‌گیری نظام دادرسی اتهامی پایه‌ریزی شد، این مهم، به تعادل عادلانه‌ای بین طرفین درگیر در فرآیند دادرسی نیاز دارد. نکته کلیدی در اینجا آن است که باید رقابت برابری بین دو نیروی ترافعی، متهم و دادستان، وجود داشته باشد. بدین ترتیب، حق برخورداری از وکیل مدافع، حقی قانونی و متعلق به متهم است (متهم

<sup>1</sup> Natural Law

<sup>2</sup> Louis XIV

<sup>3</sup> Napoleonic Code of Criminal Procedure

<sup>4</sup> Pre-Trial Investigation

<sup>5</sup> Advocat (Attorney)

<sup>6</sup> Bradley

در اینجا به فردی اطلاق می‌شود که توسط دولت به اتهام ارتکاب جرمی دستگیر شده است). مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که با وجود چندین نقطه ضعف، تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع همیشه به دولت مربوط می‌شود. در مواقعی که متهم فاقد تمکن مالی باشد یا در شرایط دشوار دیگری قرار داشته باشد، وی حق برخورداری از مساعدت ویژه را پیدا می‌کند. امروزه تمامی این موارد به عنوان مبنایی اساسی در هر نظام حقوقی در نظر گرفته می‌شود. حق برخورداری از وکیل مدافع در حال حاضر در قوانین اساسی اکثر کشورها به رسمیت شناخته شده است. در ضمن، این حق حتی در اکثر کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر نیز استاندارد سازی شده است؛ این تمهیدات در کشورهایی که حق برخورداری از وکیل مدافع را تضمین کرده‌اند، به عنوان عامل استاندارد در نظر گرفته می‌شود. این تضمین، در متن کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر، مطابق دیدگاه استفان ترچسل<sup>۱</sup>، به معنای حق برخورداری از مساعدت حرفه‌ای و خدمات مشاوره حقوقی می‌باشد.<sup>۲</sup> (ترچسل، ۲۰۰۵: ۲۴۴)

مطالب فوق‌الذکر مختصری از پیشینه و مبنای حق برخورداری از وکیل مدافع در دو نظام دادرسی کیفری است، این مهم نشانگر دو نظام دادرسی کیفری است: نظام دادرسی اتهامی (انگلستان) و نظام دادرسی تفتیشی (فرانسه). احتمالاً، این دو نظام حقوقی، تأثیر به‌سزایی بر شکل‌گیری و توسعه حق برخورداری از وکیل مدافع در سراسر جهان داشته‌اند. با این حال، به رسمیت شناختن حق برخورداری از وکیل مدافع و همچنین پایه‌گذاری نهادهایی که این حقوق را تضمین می‌نمایند در تمام نظام‌های حقوقی یکسان نیستند. لکن، به رسمیت شناختن حق برخورداری از وکیل مدافع، همواره یک بعد کلیدی در تضمین عدالت در فرآیند دادرسی کیفری بوده است.

## ۲- مبانی نظری تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع

با توجه به اینکه در فرآیند دادرسی کیفری، تعقیب قانونی متهم توسط دولت انجام گرفته که نشان‌دهنده عدم توازن از منظر حقوق و منافع است. بدین ترتیب، متهم باید از حقوق قانونی خاصی برخوردار باشد تا بتواند از منافع و حقوق مشروع خود دفاع کند. از نظر کلی، این

<sup>۱</sup>- Stefan Trechsel

<sup>۲</sup>- Right to Have the Professional Assistance and Services of Counsel

مسئله تنها به معنای تضمین حقوق و منافع متهم نیست، بلکه مشمول تضمین عینیت و عدالت کل فرآیند دادرسی کیفری نیز می‌شود. تضمین حقوق متهم به شکل کلی و تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع به شکل خاص باید مبتنی بر توازن عادلانه‌ای بین طرفین درگیر در دادرسی کیفری باشد. از آنجا که حق برخورداری از وکیل مبتنی بر نظریه رسیدگی منصفانه بوده است و از حق برخورداری از دادرسی عادلانه نشأت گرفته است، مطالبی که در اینجا بیان می‌شوند، به منظور شفاف‌سازی رابطه بین نظریه‌های اساسی دادرسی کیفری و شکل‌گیری حق برخورداری از وکیل مدافع و با تأکید بر حق برخورداری از دادرسی عادلانه نگارش شده‌اند. لذا اهمیت این مبانی بایستی در پایه‌گذاری تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع تبیین گردد.

در خصوص علت دخالت وکیل در فرآیند دادرسی کیفری، دو رویکرد عدالت محور و فایده‌گرایانه در میان اندیشمندان و اسناد بین‌المللی مطرح شده است. لذا در این مبحث با عنایت به موازین بین‌المللی، به تحلیل و بررسی مبانی نظری مذکور با تأکید بر حق برخورداری از دادرسی عادلانه به عنوان مهم‌ترین مبنای تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع خواهیم پرداخت.

## ۲-۱- رویکرد عدالت محور

در رویکرد عدالت محور مشارکت وکیل، محاکمه عادلانه متهم را تضمین می‌نماید. در این راستا مفاهیمی چون حق برخورداری از دادرسی عادلانه، اصل برائت، اصل برابری سلاح‌ها، اصل برابری افراد در برابر قانون و مراجع قانونی و اصل تضمین حق دفاع متهم توجیه‌گر مداخله وکیل است. برای بررسی میزان مطلوبیت هر موضوع یا فرآیند از جمله قانون و قانون‌گذاری، به ناچار باید آن را با مقوله عدالت ارزیابی نمود. عدالت در معنای عملی‌تر خود با مقوله‌ها و مفاهیم همسایه و هم‌خانواده‌ای مانند برابری، اخلاق، قانون، انصاف، آزادی در می‌آمیزد. (آشوری، ۱۳۸۳: ۸)

به طور کلی مفهوم عدالت از زمانی در ذهن آدمی پیدا شده است که پرسش از بهتر زیستن در اندیشه‌ها راه یافت. یکی از اهداف تشکیل حکومت‌های دموکراتیک یا مردم‌سالار نیز نیل به عدالت و آزادی‌های مشروع است. بدین ترتیب در این جوامع افراد ملت مشمول محدودیت-

ها و اوامر و نواهی قانون قرار نمی‌گیرند، مگر با اعمال مقررات قانونی در مراجع قضایی که در آن کلیه معیارهای دادرسی عادلانه مدنظر قرار گرفته باشد. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۵: ۱۱۹)

می‌توان گفت اصلی‌ترین مبنای مداخله وکیل در فرایند دادرسی کیفری، تضمین دادرسی عادلانه است که این اصطلاح در برخی اسناد حقوق بشری به صراحت بدان اشاره شده است. به طوری که حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه به عنوان یکی از حقوق بنیادین در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده است. این حق، تمام حقوق شکلی متهم را تحت پوشش قرار می‌دهد، که حق برخورداری از وکیل مدافع یکی از موارد مهم آن محسوب می‌گردد. بدین ترتیب به منظور تضمین حق برخورداری از دادرسی عادلانه، تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع ضروری می‌نماید. بدین ترتیب حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه، یکی از معیارهای حقوق بشر در سطح بین‌المللی است که به منظور حفاظت اشخاص از محدودیت یا سلب غیر قانونی و خود سرانه حقوق و آزادی‌های اساسی که از مهم‌ترین آنها حق حمایت و آزادی اشخاص می‌باشد، پیش بینی شده است. لذا بررسی مبانی تاریخی و نظری حق برخورداری از دادرسی عادلانه و معیارهای مربوطه که در ذیل به آنها اشاره می‌شود و مبنای شناسایی نهادهای حقوقی متعدد از جمله وکالت است، به روشن‌تر شدن موضوع کمک خواهد نمود.

## ۲-۱-۱- حق برخورداری از دادرسی عادلانه: دیدگاه تاریخی

در سراسر جهان، اصل برخورداری از «دادرسی عادلانه» به عنوان حق قانونی بنیادین شهروندان، به راحتی در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا قابل مشاهده است. در اصل، این حق که با نظریه رسیدگی منصفانه ارتباط دارد، دیر هنگام در تاریخ دنیا ظهور کرد. در زمان ظهور آن، مفهوم و ایده رسیدگی منصفانه تنها به عنوان یک ایدئولوژی<sup>۱</sup> مترقی برای حفاظت از حقوق بشر از تمهیدات شدید قوانین در نظر گرفته می‌شد. با این حال، محتوای فعلی و اصلی «رسیدگی منصفانه» نه تنها توسط محققین، بلکه توسط قانون‌گذاران در کشورهای مختلف به رسمیت شناخته شده و توسعه یافته است. مطالعه مبدأ «رسیدگی منصفانه» نشان‌دهنده اهمیت

<sup>۱</sup>- Ideology

و ضرورت تضمین حقوق شهروندان است. (در اینجا منظور، تضمین قانونی حقوق بشر به شکل کلی و حقوق متهم به طور خاص است)

نمود اولیه رسیدگی منصفانه در قانون «الواح دوازده‌گانه»<sup>۱</sup> مشاهده شده است. این قانون به عنوان اولین قواعد حقوقی رم باستان در نظر گرفته شده است که در سال ۴۵۵ پیش از میلاد مسیح مقرر شده است. در حقیقت، پایه‌گذاری این قانون نتیجه نزاع برای برقراری عدالت در حقوق بود که توسط دسته‌ای از عوام آغاز شد. این افراد نسبت به بی‌عدالتی در رسیدگی به خواص و اشراف زادگان در جمهوری رم<sup>۲</sup> شکایت داشتند. محتوا و مفاد این قانون در الواح دوازده‌گانه تعیین شد، که عمدتاً تضمین حقوق و منافع مشروع برای تمام شهروندان را پوشش می‌داد. حق حضور تمام طرفین در جلسه محاکمه در لوح ۲.۱ ذکر شده بود؛ اصل برابری شهروندان در لوح ۹.۱ ذکر شده بود؛ و منع هرگونه اقدامات مرتبط با رشوه دادن به نهادهای قضایی نیز در لوح ۹ مقرر گردیده بود. این قانون در خصوص پرونده‌های کیفری، برابری طرفین ترافع را در دادرسی کیفری به رسمیت شناخت. لوح ۱ این قانون در زمینه تضمین حقوق و منافع مشروع متهم، مقرر می‌نماید که: «وقتی فردی متهم به ارتکاب جرم می‌شود، نه تنها وی بلکه فرد اتهام‌زننده (شاکی) نیز باید در دادگاه حضور داشته باشد.» در ضمن، در لوح ۹ مجازاتی برای اقداماتی که محاکمه قانونی را نقض می‌نمایند و با افراد شرکت‌کننده در قضاوت ارتباط دارند مقرر شده است. به طور خاص، در صورتی که محرز شود قاضی به دریافت رشوه برای آزاد کردن مجرم اهتمام ورزیده است، مجازات اعدام در لوح ۹.۴ در نظر گرفته شده است. (رابینسون،<sup>۳</sup> ۲۰۰۹)

احتمالاً، قانون فوق را بتوان به عنوان اولین مصداق از رسیدگی منصفانه در نظر گرفت. اگر چه تمهیدات قانون در آن زمان کامل یا ایده‌آل نبوده‌اند و به ندرت ذکر شده‌اند، لکن ایده‌های آن در قانون‌گذاری مدرن<sup>۴</sup> جذب شده و توسعه یافته‌اند، به گونه‌ای که به تدریج مفاهیم

<sup>۱</sup>- Law of the Twelve Tables

<sup>۲</sup>- Roman Public

<sup>۳</sup>- Robinson

<sup>۴</sup>- اصول قانونی در اسناد حقوقی مرتبط با حقوق شکلی اساسی یافت می‌شوند، برای مثال حق برخورداری از دادرسی (The Right to Trial)، حق دفاع کردن از خود (The Right to Defend Oneself)؛ حق قضاوت شدن توسط یک دادگاه مستقل (The Right to Be Judged by an Independent Court).

جامع‌تری از تضمین عمومی حقوق شهروندان طبق قانون و خصوصاً حقوق متهم ارائه نموده‌اند. در این زمان، حق برخورداری از وکیل مدافع هنوز مطرح نشده بود. با این حال، مطرح شدن مفهوم رسیدگی منصفانه، به عنوان مبنایی برای توسعه متعاقب حقوق متهم در نظر گرفته می‌شد؛ حق دفاع نیز مشمول این حقوق بود.

همچنین مصادیق مشابهی در خصوص رسیدگی منصفانه در کشورهای قاره اروپا یافت شده است. در نظام‌های قضایی برخی کشورها از جمله آلمان تا قرن چهاردهم میلادی، محاکمه متهمان با روش آزمایش (اوردالی)<sup>۱</sup> رایج بوده است. اوردالی مجازات نبود بلکه آیین دادرسی بود که به اثبات جرم یا براءت منجر می‌شد. همچنین در فرانسه قبل از انقلاب کبیر فرانسه<sup>۲</sup> (۱۷۸۹)، شکنجه متهمان برای اخذ اقرار، عادی و قانونی بود و در آن دوران نظام تفتیشی با خصوصیات غیرعلنی بودن، غیرترافیعی بودن که امکان و فرصت دفاع برای متهم میسر نبود، حاکم بود. لکن در اواخر قرون وسطی و بعد از ظهور رنسانس<sup>۳</sup>، تأکید بر فرد قوت گرفت و شناسایی حقوق وی از جمله دادرسی عادلانه، وجهه بین‌المللی به خود گرفت. منشور کبیر انگلستان یا «مگنا کارتا»<sup>۴</sup> (۱۲۱۵)، «اعلامیه حقوق انگلستان»<sup>۵</sup> (۱۶۸۹)، «اعلامیه حقوق بشر و حقوق شهروندی فرانسه»<sup>۶</sup> ۱۷۸۹ از جمله اسناد اولیه در جامعه بین‌المللی در جهت شناسایی حق دادرسی عادلانه با تعبیر آزادی و امنیت قضایی و ممنوعیت بازداشت خودسرانه به شمار می‌روند. (رستمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷ و ۹۰) به موجب اعلامیه حقوق بشر و حقوق شهروندی فرانسه در سال ۱۷۸۹ و «کد ناپلئون»<sup>۷</sup> در سال ۱۸۰۸، متهم باید در ابتدا بی‌گناه فرض شود و ملزم است که نماینده‌ای برای محافظت از خود در دادگاه داشته باشد. روح حاکم

1- Ordealie

2- French Revolution

3- Renaissance

4- Magna Carta

«منشور کبیر یا مگنا کارتا» یک منشور قانونی انگلیسی است که در سال ۱۲۱۵ تصویب شد. این منشور اولین سند اعمال شده بر روی پادشاه انگلستان توسط عوام به عنوان اقدامی برای محدود کردن توان وی به وسیله قانون است.

5- English Bill of Rights

6- (English: The French Declaration of the Rights of Man and of the Citizen; French: Déclaration des droits de l'Homme et du Citoyen)

7- Napoleonic Code



بر این تمهیدات بر قوانین بسیاری از کشورهای اروپایی که دارای حقوق نوشته بودند، تأثیر گذاشته است.

به همین ترتیب، در نظام‌های کامن‌لا، ایده رسیدگی منصفانه ریشه در قانون اساسی انگلستان دارد. پادشاه جان<sup>۱</sup> در سال ۱۲۱۵ در «منشور کبیر یا مگنا کارتا» ذکر نموده است که: «هیچ فردی نباید بدون قضاوت قانون‌مدار و نه توسط هم‌تایان خود یا قانون سرزمین دستگیر، زندانی، یا تبعید شود و یا راهزن شمرده شود یا به هر نحو دیگر مورد پیگرد قانونی واقع شود» منشور مگنا کارتا بلافاصله به «قانون سرزمین»<sup>۲</sup> تبدیل شد. اما این منشور کاری بیش از ملزم کردن پادشاه به رعایت قانون سرزمین نکرد. در سال ۱۳۵۴، در دوران حکومت ادوارد سوم<sup>۳</sup>، عبارت «رسیدگی منصفانه» برای اولین بار در منشور مگنا کارتا ظهور نمود. این عبارت برای تشریح محافظت در نظر گرفته شده و در منشور مگنا کارتا استفاده شد: «هر فردی با هر شرایط یا وضعیتی که داشته باشد نباید از زمین خود رانده، دستگیر، یا از میراث خود محروم شده، و اعدام شود، مگر اینکه رسیدگی منصفانه چنین نتیجه‌ای را در بر داشته باشد.»

از این رو می‌توان گفت محتوای اساسی این اسناد حقوقی (هم قانون الواح دوازده‌گانه و هم منشور مگنا کارتا) بر رسیدگی منصفانه تأکید خاصی دارند، و در نتیجه این اصل به عنوان یکی از الزامات اساسی در تضمین حقوق بشر به شکل عمومی و حق متهم به شکل خاص در نظر گرفته می‌شود. این اصل را می‌توان به عنوان اولین تضمین قانونی در خصوص حق برخورداری از وکیل مدافع در نظر گرفت.

## ۲-۱-۲- حق برخورداری از دادرسی عادلانه: دیدگاه نظری

از دیدگاه نظری، مبدأ «رسیدگی منصفانه» توسط اکثر محققان منجر به تقدم مفهوم عدالت شده است که متضمن حقوق متهم به شکل کلی و حق برخورداری از وکیل مدافع به شکل خاص است. در سال ۱۶۰۸، حقوق‌دان انگلیسی، ادوارد کوک<sup>۴</sup>، طی مقاله‌ای به بررسی معنای منشور مگنا کارتا پرداخت. وی عبارت «قانون سرزمین»<sup>۵</sup> را به صورت «رسیدگی و

<sup>۱</sup> King John

<sup>۲</sup> Law of the Land

<sup>۳</sup> Edward III

<sup>۴</sup> Edward Coke

<sup>۵</sup> Per Legem Terrae

مطرح کردن تنها به وسیله رسیدگی منصفانه<sup>۱</sup> ترجمه نمود. به علاوه، کوک دسته‌ای از حقوق مربوط به کامن لا را در اثر خود<sup>۱</sup> پیاده‌سازی کرد؛ این حقوق از زندگی و آزادی افراد آزاد حمایت می‌کند، و اصل «رسیدگی منصفانه» نیز شامل آنها می‌شود. (کلایتون<sup>۲</sup> و تاملینسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶: ۲۶) در طی چندین قرن از تاریخ قانون انگلستان، معاهدات و قوانین زیادی بر این مهم تأکید نموده‌اند که الزامات گوناگون، بخشی از «رسیدگی منصفانه» یا بخشی از «قانون سرزمین» بوده‌اند، لکن عموماً این تأکید صرفاً به دلیل ماهیت قانون موجود بود، و ربطی به هرگونه نیاز ذاتی نداشت. (باناشاک، ۲۰۰۲)

با ادامه تحقیقات ادوارد کوک، محقق آمریکایی به نام هربرت بیکر<sup>۴</sup> با شناسایی اهداف رسیدگی منصفانه، به اصلاح مفهوم رسیدگی منصفانه در حین اثبات جرایم پرداخت. هربرت پکر<sup>۵</sup> معتقد بود الگوهای غالب از عدالت کیفری را می‌توان در حیطه‌ی دو الگو ارزیابی نمود: «الگوی مبتنی بر کنترل جرم»<sup>۶</sup> و «الگوی مبتنی بر رسیدگی منصفانه»<sup>۷</sup>. الگوی مبتنی بر کنترل جرم بر این فرضیه مبتنی است که سرکوب رفتارهای مجرمانه به عنوان کارکردی ضروری از دادرسی کیفری به حساب می‌آید. (پکر، ۱۹۶۸: ۱۵۸-۱۵۹) این الگو جهت محافظت از حقوق شهروندان قانون‌مدار و از طریق تأکید بر توقیف و مجازات مجرمان به شکلی کارآمد تدوین شده است. از این رو، پلیس نقش مهمی در یافتن فرد مقصر و نیز مراحل بعدی ایفا می‌نماید؛ لازم به ذکر است که مراحل بعدی در دادرسی کیفری باید تا حد ممکن کاهش یابند. در نتیجه ابزار اصلی در این الگو عبارت است از جلسه استماع مدیریتی برای پایه‌گذاری حقایق و فرصت برای اعتراف به گناه. لذا هدف و دغدغه اصلی این الگو فقط «تعقیب و سرکوب مجرمان، ناتوان کردن آنها برای تأمین امنیت در جامعه از راه سختگیری قضایی-پلیسی» است که سبب می‌گردد متهمین در این فرایند از حداقل تضمینات برخوردار شوند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۷)

<sup>1</sup> Four Volume Institutes of the Law of England

<sup>2</sup> Clayton

<sup>3</sup> Tomlinson

<sup>4</sup> Herbert Baker

<sup>5</sup> Herbert Packer

<sup>6</sup> Crime Control model

<sup>7</sup> Due Process model

در مقابل، الگوی مبتنی بر رسیدگی منصفانه بر مبنای این ایده از عدالت است که به موجب آن، هر فرد باید در موقعیت مشابه و یکسانی در فرآیند دادرسی کیفری قرار داشته باشد. این الگو برای محافظت از حقوق متهم شکل گرفته است و از طریق ارائه موانعی مستحکم که باید به صورت تدریجی در فرآیند قانونی از آنها عبور کرد، اجرایی می‌گردد. (پکر، ۱۹۶۸: ۱۶۳-۱۶۴) لذا محور اصلی الگوی رسیدگی منصفانه، رعایت حقوق متهمان و مجرمان است، زیرا هدف این الگو اساساً تأمین امنیت پایدار و مشروع است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۶) از این رو، فرد تنها زمانی مجرم و مقصر شناخته می‌شود که حقایق آشکارا مطابق قانون و توسط دادگاهی صالح اثبات شوند. این دیدگاه پکر با دیدگاه اصلاحیه چهاردهم از قانون اساسی آمریکا در مورد رسیدگی منصفانه<sup>۱</sup> هم سو می‌باشد: «آزادی یا جان انسان‌ها را نمی‌توان بدون رسیدگی منصفانه گرفت.»

می‌توان گفت این نگرش‌ها نشان‌دهنده گام بزرگی در جهت توسعه مفهوم رسیدگی منصفانه بوده‌اند. در اصل، رسیدگی منصفانه از رویه‌های مناسبی شکل گرفته‌اند و ماهیت آنها برای محافظت از حقوق اساسی و کلیدی بشر در نظر گرفته می‌شوند. عدالت در فرآیند قانونی اهمیت خاصی در پرونده‌های کیفری دارد و تاثیر ایده رسیدگی منصفانه در پرونده‌های کیفری واضح است. این الگو بیانگر الزام وجود توازنی عادلانه بین طرفین و در زمان رسیدگی به پرونده است. این امر شامل حفاظت از حقوق متهم، از جمله حق برخورداری از وکیل مدافع نیز می‌گردد. نظرات فوق از نظام کامن‌لا اخذ شده‌اند و نشان داده‌اند که رسیدگی منصفانه، مبدأ و ریشه تضمین حقوق متهم است. همچنین لازم به ذکر است که این تضمین در دادرسی‌های ترافعی نقش داشته، و در آن ابتکار عمل وکیل مدافع به رسمیت شناخته شده است. (دورسن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۰۵۰) نظام دادرسی اتهامی تنها ویژگی رایج از کشورهایی که الگوی رسیدگی ترافعی را پیاده‌سازی می‌کنند نیست، بلکه به عنوان محوری در این نظام‌های حقوقی اروپایی در نظر گرفته می‌شود که از الگوی تفتیشی پیروی می‌کند. (همان؛ واسک-ویادراک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰: ۱۱) تقاضای رسیدگی منصفانه از قدیم، عموماً به عنوان مبنایی اساسی در زمان پایه-

<sup>1</sup> Fourteenth Amendment of US Constitution on Due Process

<sup>2</sup> Dorsen

<sup>3</sup> Wašek-Wiaderek

ریزی و ارتقای قوانین دادرسی کیفری و خصوصاً در قلمرو حقوق متهم، در نظر گرفته شده‌اند. بدیهی است که رسیدگی منصفانه همواره با حق برخورداری از دادرسی عادلانه همراه بوده و به آن مربوط است. برای تضمین حقوق شکلی متهم، از جمله حق برخورداری از وکیل مدافع، ابتدا می‌بایست مفهوم و ایده‌ای از رسیدگی منصفانه به دست آورد که به واسطه آن، حقوق و منافع مشروط طرفین به شکلی عینی و عادلانه مد نظر قرار داده شود.

با عنایت به مباحث فوق‌الذکر در این زمینه، می‌توان ملاحظه نمود که محتوای اصلی و اولیه در ایده «رسیدگی منصفانه» عدالت است. عدالت یکی از آمال بشر از ابتدای خلقت تا امروز بوده است چه آنکه «عدالت مفهومی است که بشر از آغاز تمدن خود می‌شناخته و برای استقرار آن کوشیده است». (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۲۲) لذا عدالت به این دو طریق بیان می‌شود: ۱) تمام رویه‌ها بایستی عادلانه انجام شوند، ۲) و طرفین حاضر در فرآیند دادرسی باید به گونه‌ای عادلانه رفتار نمایند. در خصوص متهم، تحقق عدالت منوط به آن است که نهادهای دارای صلاحیت، به خصوص دادگاه، قضاوت‌های خود را مسئولانه انجام دهند. حق برخورداری از دادرسی عادلانه به عنوان وسیله‌ای در نظر گرفته می‌شود که از حقوق و منافع هر فرد در مقابل حاکمیت و استبداد دولت محافظت می‌کند.

از دیدگاه تاریخی، همان‌طور که اشاره شد، حق برخورداری از دادرسی عادلانه با ایده و مفهوم رسیدگی منصفانه در ارتباط است و می‌توان آن را از طریق منشور مگنا کارتا (۱۲۱۵) ردیابی کرد. (زاپالا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۳) در ابعاد نظری، حق برخورداری از دادرسی عادلانه به طرق مختلفی به رسمیت شناخته شده است. طبق نظر ترچسل، تضمین دادرسی عادلانه صرفاً رویه‌ای است که برای تضمین «عدالت رویه‌ای»<sup>۲</sup> به جای «عدالت نتیجه-محور»<sup>۳</sup> (تصمیم یا قضاوت بر اساس حقایق صحیح و اعمال صرف قوانین) طراحی شده است. (ترچسل، ۲۰۰۵: ۸۳) در راستای همین دیدگاه، قانون‌گذاران انگلستان اذعان نموده‌اند که حق برخورداری از دادرسی عادلانه متشکل از دست‌های از عناصر است که می‌بایست تحت عناوین ذیل لحاظ شوند: دادرسی بی‌طرفانه و مستقل، دادرسی عادلانه و عمومی، دادرسی در مهلت معقول و قضاوت

<sup>1</sup>- Zappalà

<sup>2</sup>- Procedural Justice

<sup>3</sup>- Result-Oriented Justice

منطقی و مستدل. (کلایتون و تاملینسون، ۲۰۰۶: ۲۶) از نظر محتوا، حق برخورداری از دادرسی عادلانه، از فرآیند کشف حقیقت محافظت کرده و به پیشبرد آن کمک می‌کند. دنی جی. باگز<sup>۱</sup>، به نمایندگی از محققینی که این دیدگاه را دارند، معتقد است: «مشخصه‌هایی همچون تصمیم‌گیرنده بی‌طرف و فضایی که گزینه‌های موجود را مدنظر قرار می‌دهد، به گونه‌ای که شواهد مربوطه در آن لحاظ شده و شواهد غیر مرتبط از آن حذف شوند، با هدف افزایش احتمال و شانس رسیدن به راهی پیاده‌سازی می‌شوند که با حقیقتی عینی و از پیش موجود همخوانی دارد». (باگز، ۱۹۹۸؛ دورسن و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۰۵۰) در کلی‌ترین حالت، برای تضمین عملی حق برخورداری از دادرسی عادلانه، نهاد های درگیر موظف هستند «مستقل و بی‌طرف»<sup>۲</sup> باشند. چنانچه هر یک از این عوامل وجود نداشته باشد، نمی‌توان به وجود عدالت اطمینان داشت. استقلال بدان معناست که دادگاه و قاضی هیچ‌گونه وابستگی به فرد یا نهادی از مقامات دولتی نداشته باشند. در ضمن، در بحث عدالت، فرض بر این است که ملاحظه کامل شرایط و همچنین تمهیدات تمام قوانین مرتبط باید انجام شود. بی‌طرفی نیز بدان معناست که قاضی به نفع هیچ یک از طرفین عمل نمی‌نماید. (ترچسل، ۲۰۰۵: ۴۹) مفاهیم فوق، مبانی نظری استواری را تشکیل می‌دهند که عموماً حقوق متهم و خصوصاً حق برخورداری از وکیل مدافع را تضمین می‌نمایند.

در دادرسی‌های کیفری، حق برخورداری از دادرسی عادلانه، در برگزیده حق برخورداری از وکیل مدافع است. در سال ۱۹۹۳ میلادی، چریف باسیونی<sup>۳</sup> در مطالعات خود نشان داد که حداقل ۳۸ قانون اساسی از کشورهای مختلف حاوی تمهیداتی هستند که از حق برخورداری از دادرسی عادلانه در پرونده‌های کیفری حمایت می‌کنند. با این حال، وی اذعان داشت که قوانین اساسی بسیاری از کشورهای دیگر نیز حاوی ادبیاتی است که می‌توان آنها را به تضمین حقوق مشابهی تعبیر نمود. لذا تقریباً تمام تمهیدات مربوطه به تشریح حقوق متهم در پرونده‌های کیفری، و به طور خاص به حق دفاع پرداخته‌اند. برای مثال، قانون اساسی هفت کشور، حق برخورداری از نوعی دادرسی را تضمین نموده است که حاوی تمام تمهیدات لازم برای دفاع

<sup>1</sup> Danny J. Boggs

<sup>2</sup> Independent and Impartial

<sup>3</sup> M. Cherif Bassiouni

باشد. حق ارائه دفاعیه با حق برخورداری از دادرسی عادلانه در ارتباط است، و همواره توأم با این حق در نظر گرفته می‌شود. (باسیونی، ۱۹۹۳: ۲۶۷-۲۶۸) «حق دفاع»<sup>۱</sup> به شکل دقیق در قانون اساسی ۲۱ کشور تضمین شده است، اما تفسیر خاصی که مربوط به این سرفصل از متون قانون اساسی باشد، قابل مشاهده نیست. در این موارد، ممکن است این حق به شکل ضمنی به حق برخورداری از دادرسی عادلانه اشاره کند، اما به طور خاص شامل حق برخورداری از وکیل مدافع، و یا حتی دفاع از خود شود. در ۱۰ قانون اساسی دیگر، حق برخورداری از دفاع به صورتی دقیق‌تر و از طریق تمهیداتی همچون تمهیدات موجود «در هر مرحله از دادرسی»<sup>۲</sup> تضمین شده است. مطالعه باسیونی قویاً نشان می‌دهد که برای تضمین حق برخورداری از دادرسی عادلانه، حق برخورداری از وکیل مدافع ضروری است. به عبارت دیگر، اصل دادرسی عادلانه، خود تضمینی اساسی و مقیاس کلیدی در محافظت از حقوق خاص متهم می‌باشد.

در بحث حق برخورداری از دادرسی عادلانه، باسیونی دو بعد را به رسمیت می‌شناسد: بعد اول، اصل برابری سلاح‌ها<sup>۳</sup> و بعد دوم، حق برخورداری از رسیدگی توافقی<sup>۴</sup> است. (باسیونی، ۱۹۹۳: ۲۶۷-۲۶۸) محقق دیگری که نگرشی مشابه دیدگاه باسیونی دارد، معتقد است که اصل برابری سلاح‌ها بدان معناست که هر طرف باید تحت شرایطی که باعث مزیت رقیب وی نشود، فرصتی منطقی برای ارائه پرونده خویش (از جمله شواهد خود) داشته باشد. متعاقباً، دادگاه تنها زمانی نتیجه خود را اعلام می‌کند که هم دادستان و هم خوانده فرصت کافی برای اظهار نظر در مورد مشاهدات پرونده و شواهد ارائه شده توسط طرف مقابل را داشته باشند. (زاپالا، ۲۰۰۵: ۹۶-۱۱۲) این بدان معناست که هیچ تصمیمی گرفته نمی‌شود، مگر آنکه فرد مدنظر قبلاً فرصتی برای ابراز موقعیت و نظر خود را در مورد مسئله پیدا کند؛ منظور از تصمیم در اینجا تصمیمی است که کاملاً و بی قید و شرط به نفع کسی نباشد. البته، به موجب این حق، دادگاه ملزم به مد نظر قرار دادن دفاعیه‌های ثبت شده است؛ این کار پیش‌نیازی بدیهی برای اثربخشی رسیدگی توافقی نیز به حساب می‌آید. لذا این اصل متضمن برخورداری

<sup>۱</sup>- Right to a Defense

<sup>۲</sup>- At Every Level of the Proceeding

<sup>۳</sup>- The Principle of Equality of Arms

<sup>۴</sup>- Right to an Adversarial Proceeding

طرفین دعوی از یک برابری شکلی<sup>۱</sup> در طول ارائه ادله در رسیدگی و فرایند تجدیدنظر است (جکسون<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۹۹) و از منظر فلاسفه غربی برابری سلاح‌ها به دلیل رابطه جدایی‌ناپذیر بین برابری، عدالت و دولت قانون‌مدار یکی از اصول حقوق طبیعی در فرایند رسیدگی محسوب می‌شود. (ساقیان، ۱۳۸۵: ۸۱) در نتیجه، همان‌طور که عبارت «برابری سلاح» نیز نشان می‌دهد، این معیار، معیاری قیاسی است. رفتار حقیقی با طرفین نزاع باید مورد قیاس قرار گیرد تا مشخص شود که محاکمه به ضرر یکی از طرفین بوده است یا خیر. مفهوم «رسیدگی توافقی» متضمن رقابت برابر است، و از این نظر تخصصی‌تر است. لذا برابری سلاح‌های طرفین دعوی کیفری مستلزم برابرسازی تقنینی امکانات و شرایط و قواعد حاکم بر فرایند کیفری است. شاید به همین دلیل باشد که دادگاه اروپایی حقوق بشر<sup>۳</sup> توازن ضروری را بین اتهام و دفاع از مرحله مقدماتی تا مرحله محاکمه مستنبط از این قاعده اساسی در راستای تحقق دادرسی عادلانه دانسته است. (دل‌ماس-مارتی<sup>۴</sup>، ۱۳۹۵: ۳۶۳)

در هر صورت، کلیدی‌ترین و اساسی‌ترین بعد «عدالت»<sup>۵</sup> در روند دادرسی‌ها، حق استماع<sup>۶</sup> است. در پرونده‌های جنایی، برابری سلاح‌ها مستلزم آن است که خواننده در جایگاهی برابر با دادستان قرار داشته باشد. تمام شواهد مکتوب که دادستان در دادگاه ثبت می‌کند، بایستی در اختیار وکیل مدافع قرار داده شود تا وی بتواند استدلال‌های متقابل<sup>۷</sup> خود را ارائه نماید. (زاپالا، ۲۰۰۵: ۹۶-۱۱۲) همچنین، محققین آلمانی با در نظر گرفتن این دیدگاه در خصوص حق برخورداری از وکیل مدافع، بیان نموده‌اند که حق برخورداری از دادرسی عادلانه وابستگی زیادی به مسئولیت مقامات مربوطه و به خصوص دادگاه دارد. به گفته زیف<sup>۸</sup>، شرودر<sup>۹</sup> و راکسین<sup>۱۰</sup>، اصل «نظارت قانونی»<sup>۱</sup> را نیز می‌توان از مفهوم «حق برخورداری از

<sup>1</sup>- Formal Equality

<sup>2</sup>- Jackson

<sup>3</sup>- European Court of Human Rights (ECtHR)

<sup>4</sup>- Delmas-Marty

<sup>5</sup>- Fairness

<sup>6</sup>- The Right to Be Heard

<sup>7</sup>- Counter-Arguments

<sup>8</sup>- Zipf

<sup>9</sup>- Shroeder

<sup>10</sup>- Roxin

دادرسی عادلانه»<sup>۲</sup> به دست آورد. هسته این اصل، التزام به آگاه نمودن متهم و توصیه نمودن به وی در خصوص نتایج و عواقب اقدامات قانونی مختلف است. این التزام نه تنها در دادگاه اعمال می‌شود، بلکه بر تمام نهادهای حاضر در فرآیند دادرسی کیفری (پلیس، دادستان عمومی و غیره) نیز اعمال می‌گردد. راکسین همچنین بیان نمود که عنصر اصلی مفهوم «حق برخورداری از دادرسی عادلانه»، «برابری سلاح‌ها»<sup>۳</sup> است. (واسک- ویادرک، ۲۰۰۰: ۱۲) مولر<sup>۴</sup> با تشریح نظرات راکسین ابراز نمود که برابری سلاح‌ها مستلزم آن است که افراد محاکمه‌کننده به نظرات تمام طرفین درگیر به عنوان مبنایی برای کشف حقیقت گوش فرا دهند، و در عین حال متهم را به عنوان کانون توجه دادرسی‌ها لحاظ نمایند. مطابق دیدگاه مولر، برابری سلاح‌ها صرفاً مفهومی ظاهری نیست، و تنها به عدالت از منظر حقوق متهم در مقابل حقوق دادستان‌ها اشاره ندارد. به اعتقاد وی، عدالت را باید به عنوان «برابری فرصت»<sup>۵</sup> نیز در نظر گرفت. این بدان معناست که رفتار عینی غیر برابر با یکی از طرفین در مقابل طرف دیگر به عنوان نقض التزام برابری بوده و ممنوع می‌باشد. (مولر، ۱۹۷۶: ۱۰۶۴؛ واسک- ویادرک، ۲۰۰۰: ۴۹)

با تکیه بر این نظرات، می‌توان به سهولت دریافت که آیا حق برخورداری از دادرسی عادلانه در ابزار قانونی خاص به رسمیت شناخته می‌شود یا خیر. امروزه، مفاهیم در هم تنیده رسیدگی منصفانه و حق برخورداری از دادرسی عادلانه، توسعه بیشتری یافته‌اند و تحت اقدامات ذیل در زمینه قانون‌گذاری بین‌المللی قرار گرفته‌اند. حق برخورداری از دادرسی عادلانه یکی از مسائل حقوق بشر است که به شکلی ایده‌آل مورد حمایت نظام حقوقی بین‌المللی قرار گرفته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۶</sup> چندین اصل کلی را در مورد حق افراد در مواجهه با اتهامات کیفری پایه‌گذاری نمود. این اصول در سه ماده کلیدی ذکر شده‌اند: ماده ۹ مربوط به محافظت در مقابل بازداشت خودسرانه می‌باشد؛ ماده ۱۰ حق محاکمه شدن در ملا عام و با

<sup>1-</sup> (German: Fürsorgepflicht des Gerichtes; English: The Principle of Procedural Care)

<sup>2-</sup> (German: fairen Verfahrens; English: The Right to Fair Trial)

<sup>3-</sup> (German: Waffengleichheit; English: Equality of Arms)

<sup>4-</sup> Müller

<sup>5-</sup> (German: Chancengleichheit; English: Equality of Opportunity)

<sup>6-</sup> The Universal Declaration of Human Rights (UDHR)



برابری کامل توسط محکمه منصف و مستقل را بیان می‌نماید؛ ماده ۱۱ نیز تمهیدات دقیق‌تری را مقرر نموده است، از جمله پیش‌فرض بی‌گناهی و حق متهم برای برخورداری از «تمام ضمانت‌های لازم برای دفاع از خود»<sup>۱</sup>. حق برخورداری از دادرسی عادلانه با تبعیت از اصول عمومی تنظیم شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر، در ابزارهای قانونی بین‌المللی مربوط به حقوق بشر منعکس گردیده است. همچنین تمهیدات حمایت‌کننده از حقوق دادرسی عادلانه را می‌توان در مواد ۱۴ و ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۲</sup>، مواد ۵ و ۶ از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۳</sup>؛ مواد ۳، ۸، ۹ و ۱۰ از کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر<sup>۴</sup>، و مواد ۲، ۷ و ۲۶ از منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل<sup>۵</sup> نیز مشاهده نمود.

در عمل، مفهوم حق برخورداری از دادرسی عادلانه با جزئیات بیشتر و دقیق‌تر توسط نهاد-هایی تفسیر شده است که معاهدات را پیاده‌سازی می‌نمایند. برای مثال، مطابق تفسیر کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد<sup>۶</sup>، حق برخورداری از دادرسی عادلانه وسیع‌تر از مجموع ضمانت‌های دادرسی عادلانه فردی است و به نحوه انجام کل فرآیند دادرسی بستگی دارد.<sup>۷</sup> گزاره‌های مشابهی توسط دادگاه بین‌الدولی آمریکایی حقوق بشر<sup>۸</sup> بیان شده است.<sup>۹</sup> از طرفی حق برخورداری از دادرسی عادلانه را می‌توان معادل حق برابری سلاح‌ها فرض نمود. مطابق با دیدگاه دادگاه اروپایی حقوق بشر، «برابری سلاح‌ها، که باید در تمام فرآیند دادرسی رعایت شود، بدان معناست که به گونه‌ای با هر دو طرف رفتار شود که از نظر قانونی جایگاه برابری در حین دادرسی داشته باشند، و در وضعیت یکسانی برای دفاع از خود قرار گیرند»<sup>۱۰</sup> در این

<sup>1</sup>- All the Guarantees Necessary for His Defence

<sup>2</sup>- International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)

<sup>3</sup>- European Convention on Human Rights (ECHR)

<sup>4</sup>- American Convention on Human Rights (ACHR)

<sup>5</sup>- African Charter on Human and People's Rights (AfCHPR)

<sup>6</sup>- United Nations Human Rights Committee (OHCHR)

<sup>7</sup>- General Comment No. 13, paragraph 5 (13/4/1989)

<sup>8</sup>- Inter-American Court of Human Rights

<sup>9</sup>- *Exception to the Exhaustion of Domestic Remedies*, Annual Report of the Inter-American American Court (August 10, 1990), OAS/ser.L/V/III.23, doc. 12, rev.1991, p. 44, paragraph 24

<sup>10</sup>- *Ofrer and Hopfinger*, Application Nos. 524/59 and 617/59, European Commission of Human Rights, Yearbook, December 12, 1960, pp. 680, 696

پرونده، دادگاه متوجه شد که حق برخورداری از دادرسی عادلانه نقض شده بود، چرا که یکی از طرفین اجازه دسترسی به مدارک مربوطه در پرونده را نداشت.

همچنین بایستی اذعان نمود که سازوکارهای بین‌المللی برای محافظت از حقوق فردی در دادرسی کیفری بسیار مشابه هستند. در میان تمهیدات عمومی دادرسی عادلانه موارد زیر رایج هستند: (۱) حق دادرسی بی‌طرفانه و مستقل در دادگاه صالح؛<sup>۱</sup> (۲) حق برخورداری از دادرسی علنی؛<sup>۲</sup> (۳) حق دادرسی در مهلت معقول؛<sup>۳</sup> (۴) حق برخورداری از وکیل؛<sup>۴</sup> و (۵) حق تفسیر.<sup>۵</sup> در دادرسی‌های کیفری، موارد ذیل نیز علاوه بر موارد مذکور اعمال می‌شوند: (۱) حق آگاهی به موقع از اتهامات؛<sup>۶</sup> (۲) حق برخورداری از زمان و تسهیلات کافی برای آماده سازی دفاعیه؛<sup>۷</sup> (۳) حق متهم برای دفاع از خود یا دریافت مساعدت از وکیل انتخابی خود، و برقراری ارتباط محرمانه و آزادانه با وکیل؛<sup>۸</sup> (۴) حق احضار شهود؛<sup>۹</sup> (۵) حق عدم اعتراف به جرم؛<sup>۱۰</sup> و (۶) حق تجدید نظر خواهی.<sup>۱۱</sup>

بر مبنای این استانداردهای عمومی، کشورها رویکردهای مشابهی را در خصوص تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع و دادرسی عادلانه دارند، که بایستی به صورت حداقلی همواره توسط دولت به رسمیت شناخته شود. برای مثال، اصل برخورداری از دادرسی عادلانه در آلمان به عنوان تضمینی اولیه از حقوق متهم در نظر گرفته می‌شود. از این رو، متهم در آلمان از ضمانت‌های حداقلی ذیل برخوردار است: حق پرسش از شهود در حضور وکیل منتخب وی؛ حق متهم فاقد تمکن مالی برای برخورداری از وکیل مدافع در تمام پرونده‌های مهم (حقوق وکیل از دولت دریافت می‌شود)؛ عدم پذیرش شواهد به دست آمده از طریق سوءاستفاده

<sup>1</sup>- The Right to Be Heard by a Competent, Independent and Impartial Tribunal

<sup>2</sup>- The Right to a Public Hearing

<sup>3</sup>- The Right to Be Heard Within a Reasonable Time

<sup>4</sup>- The Right to Counsel

<sup>5</sup>- The Right to Interpretation

<sup>6</sup>- The Right to Be Notified of the Charge Against One in a Timely Manner

<sup>7</sup>- The Right to Adequate Time and Means for the Preparation of One's Defence

<sup>8</sup>- The Right of an Accused to Defend Him/Her Self in Person or to Be Assisted by a Counsel of His/ Her Choosing, and to Communicate Freely and Privately with His/Her Counsel

<sup>9</sup>- The Right to Call Witnesses

<sup>10</sup>- The Right Not to Incriminate Oneself

<sup>11</sup>- The Right to Appeal

عامدانه از توان دولت؛ الزام به آگاه نمودن متهم از تمام فعالیت‌های تحقیقاتی در حین دادرسی؛ ارزیابی دقیق اعتبار شواهد اساسی؛ و به رسمیت شناختن انتظارات منطقی متهم. (کیپ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۸۰-۲۹۵)<sup>۲</sup> به همین ترتیب، ارتقای نظام دادرسی کیفری در ایالات متحده آمریکا نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. (سافرلینگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷: ۱۴)

دادرسی عادلانه فرآیندی است که در آن شواهد بر اساس رسیدگی توافقی به محکمه بی-طرفی ارجاع داده شوند تا مسائلی که از پیش در محاکمه تعریف شده‌اند، فیصله یابند. حقوق دادرسی عادلانه برای محافظت از متهم در مقابل اقدامات خودسرانه دولت در نظر گرفته می-شود و به عنوان یک تضمین عمومی و کلی در نظر گرفته می‌شود که مرتبط با اصل برابری سلاح می‌باشد. (باناشاک، ۲۰۰۲) حق برخورداری از دادرسی عادلانه استاندارد است که عموماً در آراء مرتبط با حق برخورداری از وکیل مدافع ذکر می‌گردد. برای نمونه، در پرونده‌ای<sup>۴</sup> قاضی مقرر نمود: «حق متهم فاقد تمکن مالی در دادرسی کیفری برای برخورداری از مساعدت وکیل، حقی اساسی و برای عادلانه بودن دادرسی ضروری می‌باشد.»<sup>۵</sup>

قوانین ایران نیز مشخصه‌های مشابهی دارند و حق برخورداری از دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته‌اند. لذا قانون اساسی ایران در اصول ۱۹، ۲۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۱۵۶، ۱۶۴، ۱۶۵ و ۱۶۹ به اصول و قواعد دادرسی عادلانه کیفری اشاره دارد که همین امر به خوبی مؤید اهتمام شایان قانون مذکور و در نتیجه گنجاندن مفاهیم و موازین دادرسی عادلانه در قانون اساسی به عنوان «اساسی سازی» نمودن این ضوابط بنیادین حقوق بشری است چه آنکه همین امر و تأثیر آن بر نهادهای حکومتی و اجرایی کشور از اوصاف حکمرانی خوب<sup>۶</sup> به حساب می‌آید که امروزه در سطح بین‌المللی به عنوان معیاری در راستای اعطاء امتیازات مادی و

<sup>1</sup>- Cape

<sup>2</sup>- این تصمیمات در دادگاه قانون اساسی فدرال (BVerfGG) و دادگاه تجدیدنظر فدرال آلمان (BGH) اتخاذ شده اند.

<sup>3</sup>- Safferling

<sup>4</sup>- Gideon v. Wainwright, 372 U.S. 335, 344 (1963)

<sup>5</sup>- در این پرونده، شاکی بدون پول و وکیل در دادگاه حاضر شد و از دادگاه تقاضای انتصاب وکیل برای خود را نمود؛ اما این درخواست درخواست به این دلیل رد شد که قانون دولت تنها اجازه انتصاب وکیل برای خوانده‌های ناتوان در پرونده‌های مالی را می‌داد. شاکی خود دفاعیه را ارائه داد و دفاعیه وی برای یک فرد غیر تخصصی مقبول بود؛ اما در نهایت محکوم به حبس گردید.

<sup>6</sup>- Constitutionalised

<sup>7</sup>- Good Governance

سرمایه‌گذاری اقتصادی، اعطاء جایگاه کنشگر مشروع و مقبول در روابط و سازمان‌های بین‌المللی و همچنین اعطاء مسئولیت‌های سیاسی-دیپلماتیک در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است. (آماده، ۱۳۸۸: ۹)

یکی از مهم‌ترین اصول یاد شده، اصل ۳۵ قانون اساسی در خصوص حق برخورداری از وکیل مدافع است که این اصل به صراحت، برخورداری از وکیل مدافع را حق اصحاب دعوا دانسته و حتی از تکلیف حکومت نسبت به تعیین وکیل رایگان برای آنها سخن می‌گوید. همچنین قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ علی‌رغم وجود برخی اشکالات و ایرادات مترتب بر آن، از جنبه‌ها و نکات مثبت بسیاری نیز در خصوص رعایت حقوق شهروندی، حقوق متهم، حق دفاع، حق برخورداری از وکیل مدافع، روند دادرسی، تضمینات تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه برخوردار است و با تأثیرپذیری از الگوی جهانی دادرسی عادلانه، تحولات فراوانی را در مورد حمایت از متهم پیش‌بینی نموده است. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۱۴-۱۱۵) قانون اخیرالذکر در پرتو مواد ۵، ۴۸، ۳۴۸-۳۵۰، ۳۴۶-۳۵۱ و همچنین تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ حق برخورداری از وکیل مدافع را به رسمیت شناخته است.

بدین ترتیب می‌توان گفت اصلی‌ترین مبنای مداخله وکیل در فرایند دادرسی کیفری، تضمین دادرسی عادلانه است که این اصطلاح در برخی اسناد حقوق بشری به صراحت بدان اشاره شده است. به طوری که حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه به عنوان یکی از حقوق بنیادین در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده است. مواردی همچون بی‌طرفی دادگاه، استقلال دادگاه، تضمین‌های پیش از محاکمه (تحقیقات پلیسی) و فرض بی‌گناهی جزء مصداق‌های آن ذکر شده است. این برداشت از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با ظاهر ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و حتی ماده ۱۴ میثاق سازگار است. به موجب این تفسیر، حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه جزء حقوق بنیادین بشر محسوب می‌گردد و دارای اجزاء متعددی است. برخی از این اجزاء متعلق به ساختار مراجع پلیسی، تحقیقاتی و قضایی و برخی دیگر در مورد تضمین‌های ناظر به حق دفاع متهم است. (قربان‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۰۱)

مطالب فوق به وضوح نشان می‌دهند که حق برخورداری از دادرسی عادلانه کاربرد گسترده‌ای دارد. این حق، تمام حقوق شکلی متهم را تحت پوشش قرار می‌دهد، که حق برخورداری از وکیل مدافع یکی از موارد مهم آن محسوب می‌گردد. لذا از مباحث مذکور چنین برمی‌آید که رابطه نزدیک و متقابلی بین رسیدگی منصفانه، حق برخورداری از دادرسی عادلانه و حق برخورداری از وکیل مدافع وجود دارد. لذا هر یک از این حقوق را می‌توان پیش‌نیازی برای دیگری دانست. همچنین، این ارتباط نشان‌دهنده اهمیت حق برخورداری از وکیل مدافع می‌باشد.

## ۲-۲- رویکرد فایده‌گرایانه

بر اساس رویکرد فایده‌گرایانه، یکی از راه‌های کاهش اشتباهات قضایی و اجرای دقیق قوانین و مقررات که در برخی موارد دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری نیز از تفسیر و اجرای درست آن عاجزند، حضور و مداخله وکیل در فرایند دادرسی است. افزایش سطح دخالت متهم در فرایند کیفری، تسریع در روند دادرسی و کاهش اطاله دادرسی، تأمین آزادی‌های مشروع، جلوگیری از تجسس در حریم خصوصی اشخاص و پیشگیری از خودسری دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری از دیگر دلایلی است که موجب توجیه حق متهم مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری می‌گردد. (سلیمیان و احمدیان، ۱۳۹۴: ۱۵۵) بنابراین مبانی مداخله وکیل در فرایند دادرسی‌های جزایی در اسناد جهانی حقوق بشری همان پایه‌ها و علل توجیه‌کننده حق برخورداری از وکیل در دادسرا هستند؛ یعنی ریشه‌هایی که ضرورت و مشروعیت این حق‌ها را آشکار می‌نمایند. لذا افزون بر مبانی حقوق بشری مداخله وکیل در دادسرا، الزامات بین‌المللی و ضرورت‌های عینی زندگی اجتماعی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز نیز مؤید لزوم رعایت حقوق دفاعی متهم می‌باشد.

چرا افراد متهم برای محافظت از حقوق و منافع خود به وکیل مدافع نیاز دارند؟ و چرا دولت وظیفه تضمین این حقوق را به عهده دارد؟ خلاصه تاریخی ارائه شده در فوق نشان داد که شکل‌گیری و توسعه حق برخورداری از وکیل مدافع، بیانگر نیاز به محافظت از منافع و حقوق مشروع افرادی است که در برابر قدرت دولت قرار گرفته‌اند. قضاوت عادلانه توسط طرفین در پرونده کیفری ضروری است. این امر صرفاً از طریق نتیجه‌نهایی یک دادرسی

عادلانه به‌وجود می‌آید، که در آن حقوق متهم بایستی رعایت و تضمین شوند. این تضمین دارای ابعاد ذیل است:

نخست، حق برخورداری از وکیل مدافع با هدف قرار دادن فرصت حمایت از حقوق و منافع مشروع متهم در حین فرآیند دادرسی کیفری تدوین شده است. وکیل به عنوان مشاور متهم ایفای نقش می‌نماید، و به او در دفاع کردن در برابر اتهامات وارده از سوی متخصصین دادرسی کیفری همچون بازجویان، دادستان‌ها و قضات یاری می‌رساند. تمام این موارد نشان‌دهنده التزام ضمنی اصل برابری سلاح‌ها می‌باشد. در ضمن، وکیل فردی است که مهارت‌های لازم در خصوص آگاهی از حقوق متهم را که در قوانین دادرسی کیفری تضمین شده است، به وی می‌دهد (از جمله قوانین ملی و کنوانسیون‌های بین‌المللی). ترچسل معتقد است که این ویژگی هدفی فنی است. هدف در اینجا ایجاد پیوند بین حق برخورداری از وکیل و ماهیت فرآیند قانونی است. حق برخورداری از وکیل مدافع متضمن آن است که متهم به جای اینکه جایگاهی ذاتاً منفی داشته باشد، بتواند نقش فعال‌تری در فرآیند دادرسی کیفری ایفا نماید. در ارتباط با نقش متهم، ترچسل معتقد است «مساعدت وکیل همچون کلیدی است که از نظر ماهوی درب را به روی تمام حقوق و احتمالات دفاعی می‌گشاید. بدیهی است که قانون (چه از نظر شکلی و چه از نظر ماهوی) مسئله پیچیده‌ای است که معمولاً برای افراد غیرمتخصص قابل درک نیست». (ترچسل، ۲۰۰۵: ۲۴۵)

بعد دوم حق برخورداری از وکیل مدافع، تضمین اهداف بشردوستانه کلی و عمومی می‌باشد. همانند مورد پیشین، متهم باید در حین فرآیند دادرسی با اتهامات وارده از نهادهای مربوطه مواجه شود. دسته‌ای از این احکام که حاوی دستگیری، بازداشت، بازجویی و غیره هستند ممکن است به بیکاری و جدایی از خانواده و انزوا در جامعه منجر شود. این عواقب ممکن است منجر به مشکلات روانی برای متهم شود. لذا می‌توان ملاحظه نمود که قانون-گذاران نیز احتمال وقوع این عواقب و بی‌عدالتی غیراحتمالی به وجود آمده از عدم مساعدت متهم توسط وکیل را به رسمیت شناخته‌اند. ترچسل، نیز دیدگاه مشترکی در این زمینه دارد، وی معتقد است وکیل نیز اهداف بشردوستانه‌ای را محقق می‌کند، زیرا این اهداف هم از نظر قانونی و هم از نظر روحی و روانی به متهم کمک می‌نمایند. (ترچسل، ۲۰۰۵: ۲۴۶)

بدین ترتیب از مباحث فوق می‌توان دریافت که پیاده‌سازی حق برخورداری از دفاع از طریق وکیل مدافع شیوه‌ای مؤثر برای تضمین حقوق متهم می‌باشد.

### نتیجه‌گیری:

حق برخورداری از وکیل مدافع، از جمله حقوق بنیادین متهم است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی تضمین شده است و صرف‌نظر از تفاوت در نظام‌های دادرسی تفتیشی و اتهامی، تضمین حق مذکور یکی از مسائل کلیدی است که متضمن حفظ حقوق بشر در فرایند دادرسی کیفری است. لذا در نظام حقوقی اکثر کشورها، تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع یکی از عواملی است که تحقق عدالت را در فرآیند دادرسی کیفری تضمین می‌نماید. با این حال، تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع در هر دو نظام دادرسی اتهامی و تفتیشی مبتنی بر مفهوم اساسی‌تر رسیدگی منصفانه می‌باشد. مرور تاریخی نظام‌های عدالت کیفری، نشان داد که رسیدگی منصفانه، طرفین محاکمه را ملزم به داشتن فرصت‌های برابر برای احضار و ارائه شواهد می‌نمایند. حق برخورداری از دادرسی عادلانه یکی از نتایج الگوی رسیدگی منصفانه است و همچنین با اصل برابری سلاح‌ها متناظر است. در نتیجه، رابطه عینی بین دادرسی عادلانه و تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع توسط اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است.

در این پژوهش پیشینه تاریخی و مبانی حق برخورداری از وکیل مدافع در دو نظام دادرسی کیفری اتهامی و تفتیشی تبیین گردید. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که حق برخورداری از وکیل مدافع با شکل‌گیری نظام دادرسی اتهامی پایه‌ریزی شد. همچنین مشخص گردید این دو نظام حقوقی، تأثیر به‌سزایی بر شکل‌گیری و توسعه حق برخورداری از وکیل مدافع در سراسر جهان داشته‌اند. لذا هر دو نظام دادرسی اتهامی و تفتیشی این نگرش را اتخاذ نموده‌اند که حق برخورداری از وکیل یکی از حقوق بنیادین برای متهم است و دولت نیز وظیفه دارد متهم را در پیاده‌سازی حقوق مشروع وی یاری نماید. با این حال، به رسمیت شناختن حق برخورداری از وکیل مدافع و همچنین پایه‌گذاری نهادهایی که این حقوق را تضمین می‌نمایند در تمام نظام‌های حقوقی یکسان نیستند. بلکه همواره یک بعد کلیدی در تضمین عدالت در فرآیند دادرسی کیفری بوده است. همچنین مطالعات تاریخی نشان داد

همیشه به دولت مربوط می‌شود. در مواقعی که متهم فاقد تمکن مالی باشد یا در شرایط دشوار دیگری قرار داشته باشد، وی حق برخورداری از مساعدت ویژه را پیدا می‌کند. امروزه تمامی این موارد به عنوان مبنایی اساسی در هر نظام حقوقی در نظر گرفته می‌شود. لذا حق برخورداری از وکیل مدافع در حال حاضر در قوانین اساسی اکثر کشورها و نیز در اکثر کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است.

با عنایت به مبانی نظری بیان شده در این پژوهش، چنین برمی‌آید که تضمین حقوق متهم به شکل کلی و تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع به شکل خاص باید مبتنی بر توازن عادلانه‌ای بین طرفین درگیر در دادرسی کیفری باشد. لذا حق برخورداری از وکیل مبتنی بر نظریه رسیدگی منصفانه بوده است و از حق برخورداری از دادرسی عادلانه نشأت گرفته است. همچنین در خصوص علت دخالت وکیل در فرایندهای دادرسی‌های کیفری، دو رویکرد عدالت محور و فایده‌گرایانه در میان اندیشمندان و اسناد بین‌المللی مطرح شده است. در رویکرد عدالت محور، مشارکت وکیل، محاکمه عادلانه متهم را تضمین می‌نماید. در این راستا مفاهیمی چون حق برخورداری از دادرسی عادلانه، اصل برائت، اصل برابری سلاح‌ها، اصل برابری افراد در برابر قانون و مراجع قانونی و اصل تضمین حق دفاع متهم توجیه‌گر مداخله وکیل است. همچنین بر اساس رویکرد فایده‌گرایانه، جلوگیری یا کاهش اشتباهات قضایی و اجرای دقیق قوانین و مقررات، افزایش سطح دخالت متهم در فرایند کیفری و... از جمله دلایلی است که موجب توجیه حق متهم مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری می‌گردد. بدین ترتیب حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه، یکی از معیارهای حقوق بشر در سطح بین‌المللی است که به منظور حفاظت اشخاص از محدودیت یا سلب غیر قانونی و خودسرانه حقوق و آزادی‌های اساسی که از مهمترین آنها حق حمایت و آزادی اشخاص می‌باشد، پیش‌بینی شده است.

بر این اساس، اصلی‌ترین مبنای مداخله وکیل در فرایند دادرسی کیفری، تضمین دادرسی عادلانه است که این اصطلاح در اکثر اسناد حقوق بشری به صراحت بدان اشاره شده است. این حق، تمام حقوق شکلی متهم را تحت پوشش قرار می‌دهد، لذا از مباحث مذکور چنین برمی‌آید که رابطه نزدیک و متقابلی بین رسیدگی منصفانه، حق برخورداری از



دادرسی عادلانه و حق برخورداری از وکیل مدافع وجود دارد. لذا هر یک از این حقوق را می‌توان پیش‌نیازی برای دیگری دانست. همچنین، این ارتباط نشان‌دهنده اهمیت حق برخورداری از وکیل مدافع می‌باشد.

نمود اولیه رسیدگی منصفانه در قانون «الواح دوازده‌گانه» مشاهده شده است. این قانون به عنوان اولین قواعد حقوقی رم باستان در نظر گرفته شده است که در سال ۴۵۵ پیش از میلاد مسیح مقرر شده است. لذا قانون مزبور را می‌توان به عنوان اولین مصداق از رسیدگی منصفانه در نظر گرفت. اگرچه تمهیدات قانون در آن زمان کامل یا ایده‌آل نبوده‌اند و به ندرت ذکر شده‌اند، لکن ایده‌های آن در قانون‌گذاری مدرن جذب شده و توسعه یافته‌اند، به گونه‌ای که به تدریج مفاهیم جامع‌تری از تضمین عمومی حقوق شهروندان طبق قانون و خصوصاً حقوق متهم ارائه نموده‌اند. در این زمان، حق برخورداری از وکیل مدافع هنوز مطرح نشده بود. با این حال، مطرح شدن مفهوم رسیدگی منصفانه، به عنوان مبنایی برای توسعه متعاقب حقوق متهم در نظر گرفته می‌شد؛ حق دفاع نیز مشمول این حقوق بود. همچنین، در نظام‌های کامن‌لا، ایده رسیدگی منصفانه ریشه در قانون اساسی انگلستان دارد که توسط پادشاه جان در سال ۱۲۱۵ در «منشور کبیر یا مگنا کارتا» مطرح شده است. از این رو می‌توان گفت محتوای اساسی این اسناد حقوقی (هم الواح دوازده‌گانه و هم منشور مگنا کارتا) بر رسیدگی منصفانه تأکید خاصی دارند، و در نتیجه این اصل به عنوان یکی از الزامات اساسی در تضمین حقوق بشر به شکل عمومی و حق متهم به شکل خاص در نظر گرفته می‌شود. لذا این اصل را می‌توان به عنوان اولین تضمین قانونی در خصوص حق برخورداری از وکیل مدافع در نظر گرفت.

بدین ترتیب به منظور تضمین حق برخورداری از دادرسی عادلانه، تضمین حق برخورداری از وکیل مدافع ضروری می‌نماید. به عبارت دیگر، دادرسی عادلانه، خود تضمینی اساسی و مقیاس کلیدی در محافظت از حقوق خاص متهم می‌باشد. همچنین برای نیل به اصل برابری سلاح‌ها لازم است در برابر دست‌اندرکاران حرفه‌ای نظام عدالت کیفری به ویژه دادستان که مجهز به علوم و فنون حقوقی است، متهم نیز از راهنمایی‌ها و دانش حقوقی افرادی که سال‌ها در مشاغل حقوقی کسب تجربه نموده و به علوم و فنون حقوق آشنا هستند بهره‌مند گردد.

در نهایت باید گفت حق برخورداری از وکیل مدافع به عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم در جریان دادرسی، همواره مدنظر نظام‌های حقوقی در سرتاسر جهان بوده و مستمراً بر اهمیت و حساسیت آن افزوده شده است. در عین حال، همواره خدشه‌دار شدن این حق بنیادین بشری، از جمله دغدغه‌های اصلی اداره‌کنندگان جامعه دموکراتیک از یک سو و عموم مردم از سوی دیگر بوده است. لذا رعایت حق مذکور از سوی مراجع تعقیب، تحقیق و دادرسی جهت امکان دفاع مناسب از سوی متهم و به منظور رعایت اصل تساوی طرفین در ابزار و امکانات یا تساوی سلاح‌ها، اصل انصاف و اصل هم‌شان بودن مقام رسیدگی‌کننده و شخص تحت رسیدگی، به‌عنوان ارکان مهم حق دادرسی عادلانه که خود از ویژگی‌های اصلی حاکمیت قانون انگاشته شده است، ضروری می‌نماید. اهمیت و ضرورت دخالت وکیل در دعاوی، افزون بر نفعی که برای متهم دارد، به نفع عدالت و جامعه نیز می‌باشد، چه آنکه وکیل در عین حال که به عنوان بازوی مشورتی متهم عمل نموده و موجب بهره‌مندی وی از عدالت می‌شود، مانع محکومیت اشخاص بی‌گناه گردیده و به قاضی کمک می‌نماید تا ضمن کشف حقیقت تصمیم مناسبی را اتخاذ نماید تا آنجا که از وکیل به عنوان یکی از بال‌های فرشته عدالت یاد شده است.

## منابع فارسی:

### کتاب

- آشوری، محمد (۱۳۸۳)، **حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت**، چاپ اول، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نشر گرایش
- آماده، غلامحسین (۱۳۸۸)، **نقش رئیس قوه قضائیه در فرایند کیفری ایران**، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر
- ابوالفضل سلیمیان، سعید احمدیان (۱۳۹۴)، **وکالت و حق داشتن وکیل در فرایند دادرسی**، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد
- بوشهری، جعفر (۱۳۹۰)، **حقوق اساسی: اصول و قواعد**، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار
- دلماس - مارتی، می ری (۱۳۹۵)، **نظام‌های بزرگ سیاست جنایی**، ترجمه ع ح نجفی ابرند-آبادی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، **بایسته‌های حقوق اساسی**، چاپ پنجاه و چهارم، تهران: نشر میزان
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۱)، **عدالت حقوقی**، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، **مبانی حقوق عمومی**، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان
- ..... (۱۳۷۹)، **گامی به سوی عدالت: مجموعه مقالات**، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲)، **درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مجموعه مقالات)**، چاپ اول، تهران: نشر میزان
- نیازپور، امیرحسن (۱۳۸۷)، **بزهکاری به عادت: از علت شناسی تا پیش‌گیری**، چاپ اول، تهران: انتشارات فکرسازان

- ولی رستمی، مسلم آقایی طوق و حسن لطفی (۱۳۸۸)، **دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران**، چاپ اول، تهران: نشر گرایش
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۴)، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، جلد اول، چاپ سیزدهم، تهران: نشر میزان
- ..... (۱۳۹۳)، **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**، چاپ سوم، تهران: نشر میزان

### مقالات

- اعظم مهدوی‌پور، سیدمحمد رضا نقیعی (۱۳۹۵)، **حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در دادرسی مراجع کیفری؛ مظهری از حقوق شهروندی**، فصلنامه اخلاق زیستی، شماره ۲۱
- ساقیان، محمد مهدی (۱۳۹۳)، **تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری**، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۶
- ..... (۱۳۸۵)، **اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران)**، مجله حقوقی دادگستری، شمارگان ۵۶ و ۵۷

### منابع انگلیسی:

#### کتب

- Baker J. H., (1979), **An Introduction to English Legal History**, 2nd Ed., London: Butterworth & Co. (Publishers) Ltd
- Banaszak R., (2002), **Fair Trial Rights of the Accused: A Documentary History**, London: Greenwood Publishing Group
- Blackstone W., (1979), **Commentaries on the Laws of England: A Facsimile of the First Edition of 1765-1769**, Volume 4. Chicago: The University of Chicago Press
- Bradley C.M., (2007), **Criminal Procedure: A Worldwide Study**, 2nd Ed., Durham, NC: Carolina Academic Press
- Cape E, Namoradze Z, Smith R, Spronken T., (2010), **Effective Criminal Defence in Europe**, Antwerp-Oxford-Portland: Intersentia
- Clayton R, Tomlinson H., (2006), **Fair Trial Rights**, Oxford: Oxford University Press
- Cohen H., (2005), **A History of the English Bar and Attornatus to 1450**, Clark, New Jersey: The Lawbook Exchange, Ltd
- Dammer H.R, Fairchild E, Albanese J.S., (2006), **Comparative Criminal Justice Systems**, Belmont, CA: Wadsworth/Thomson Learning
- Dorsen N, Rosenfeld M, Sajo A, Baer S., (2003), **Comparative Constitutionalism: Cases and Materials**, St. Paul, MN: Thomson West

- Esmein A., (1913), **A History of Continental Criminal Procedure, with Special Reference to France**, Boston, Little, Brown and Company
- Jackson J.D, Langer M, Tillers P., (2008), **Crime, Procedure and Evidence in a Comparative and International Context: Essays in Honour of Professor Mirjan Damaška**. Oxford and Portland, Oregon: Hart Publishing
- Langbein J.H., (2005), **The Origins of Adversary Criminal Trial**. Oxford University Press
- Packer H.L., (1968), **The Limits of the Criminal Sanction**, Stanford, California: Stanford University Press
- Safferling C.J.M., (2007), **Towards an International Criminal Procedure**, Oxford University Press
- Trechsel S., (2005), **Human Rights in criminal proceedings**, Oxford: Oxford University Press
- Wašek-Wiaderek M., (2000), **The principle of "equality of arms" in criminal procedure under article 6 of the European Convention on Human Rights and its functions in criminal justice of selected European countries: a comparative view**, Leuven: Leuven University Press
- Zappalà S., (2005), **Human Rights in International Criminal Proceedings**, Oxford University Press

#### مقالات

- Bassiouni M.C., (1993), **Human Rights in the Context of Criminal Justice: Identifying International Procedural Protections and Equivalent Protections in National Constitutions**, Duke Journal of Comparative & International Law
- Becker M, Heidelbaugh G., (1953), **Right to Counsel in Criminal Cases an Inquiry into the History and Practice in England and America**, Notre Dame Law Review
- Boggs D.J., (1998), **The Right to a Fair Trial**, University of Chicago Legal Forum
- Chowdhary-Best G., (1976), **The History of Right to Counsel**. Journal of Criminal Law
- Donahue C., (1964), **An Historical Argument for the Right to Counsel during Police Interrogation**. Yale Law Journal, N. 73
- Fulton L.S., (1989), **The Right to Counsel Clause of the Sixth Amendment**, American Criminal Law Review, N. 26
- Morrissey F.J., (1966), **Escobedo's European Ancestors**, American Bar Association Journal, N. 52
- Müller E., (1976), **Der Grundsatz der Waffengleichheit im Strafverfahren**, Neue Juristische Wochenschrift (NJW) Journal, N. 24
- Rackow F., (1954), **The Right to Counsel: English and American Precedents**, The William and Mary Quarterly, N. 11
- Robinson P., (2009), **The Right to a Fair Trial in International Law**, with Specific Reference to the Work of the ICTY, Berkeley Journal of International Law (BJIL), N. 3